



خود فرود آورد هرگز خود را محتاج نبیند و از این بود در روی

بروی فراخ کرد و بر سر مقبوض و مضموم نگردد این علم بوی

که بشکست باشد و بوی قوی است با سینه بود

فرسوده اند که شبانه روز و هر روز سه عدد تکبیر بخوانند

تا به مع صدور و سخن بماند که ۲۴ بار از آنکه بخوانند که

فتنه اند با اطلال سفید نقش کند بر رخ در در وقت

دعوت در سبک سجاده نهاده و در ربع نظر کند و در غیب

انرا بساط باشد که سلاطین زبان عصر در نظر او

ما هیچ نباید و در نزد او خلافت خود را حقیر نمایند و

بحسب دین انرا حال باشند که بانه کبر چیز چند خوانند

و سخاوته او اهل دنیا بسیار او شود نشانه و نشان ثواب

و خرمی در باطن خود مشاهده نماید و اما بعد از دست

روزانه ۴۰ بار بخواند و تو که خواند بکنند تا مدام در حالت

کتابت فی علم الیاسط
در عهد ایلخان او خواند
که عددی بود و مکتب با مکتب
به خواندن مدارک است
انرا از قوی که در این اسم
چون این است که با خود
زند در روح و در قی تقوی
نفس را در این عالم
باید که در هر وقت
مندیها را با غایت
نقطه از بیضا
بمقتضی کاتب کرد
و اگر مضامین
هر قدر مضامین
روان است

از آنکه در هر روز
از آنکه در هر روز
از آنکه در هر روز
از آنکه در هر روز

ط	سو	ا	ب
ط	س	ا	ب
س	ط	ا	ب
ا	ط	س	ب

الحافض یعنی فرود آرنده لطمه داخله به علم
 و قدرت بالغه و پرچم اراده این است که ابوهیم
 خلیل و موسی کلیم از برکت این اسم از خصمان نجاه یافتند
 و نظیر و منور گشته هر که خصم بسیار بدو از دشمنان
 این اسم بعد و خواهد که از شر ایشان اجنبی بود او که هر روز
 روز بدار و در روز ۵ جلوت و در رکعت نماز کند و در عقبه
 باشد از بوی دفع اعدا همتا هزار بار تکرار کند و چون بانها
 رسد بر مسجد که آرد و دفع دشمنان از حد بیغالی شود
 و عدد که هر روز از بوی محافظت بدن خواند از جهت این
 بدون اعدا که یکبار چهار صد و شتاد و یکبار است و اگر
 بود که نقره نشو کند بعد دیگر در انگشت کند غالبیه

شیخ یوسف

بخواند و هر
 عددی یکبار
 عدد بیست و یک
 در روزهای
 صد و بیست عدد
 بود

شیخ فرموده اند که اگر در شرف افتاب در خاتم نقره نشو
 کند مربع عددی و حروف اسم را نشو کند و پادشاه در
 انگشت کند یا بر صفحه نقره عددی نقی کند الحافض الوقع
 الیقاب الحفظ و نام پادشاه در مربعات به این طریق نقی

ح	ا	و	ط
ح	ا	و	ط
ا	ح	و	ط
و	ح	ا	ط

ا	ب	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
ب	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲
۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳
۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵

و اگر این صیغه را بر علم بنزد و بلسکر کشد و اراده نبرد
 کردند و سپاهی که این الواح در میان ایشان باشد چینه
 قلبل باشد در نظر اعداء ایستاده باشد با پیست
 نماید و عدد مغلوب و منکوب کردند اگر درجات و در

بخواند و هر عددی یکبار
 در روزهای صد و بیست عدد بود
 در روزهای صد و بیست عدد بود
 در روزهای صد و بیست عدد بود

در دقایق شرف انساب نگاه دارند در وقت نقیضی کردند
 از عجایب و غریب این الواح دارنده معجزه بمانند شیخ مغز
 فرزایه که بسیار دیده کرد در لشکر پیراه بدم و این صحیفه
 باینده بود و لشکر خصم بچنانکه بر بوابه فرادسیمنده
 و قدم مر پادشاهان بوحه مبارک گرفته بودند و بنده
 معلوم بود که این از خزانه الواح است و اگر کسی این الواح
 بسازد و با خود در نزد عزیز و محبوم و در وسیع مجلس
 خجالت نکند و از عمل معزول نشود و هر که بدارنده الواح
 به بگذارد به بوی رسد و خزانه این الواح بسیار است
 کردیم الوافع یعنی درنده آنچه خواهد از مرتبه افضل اعلی
 دره جبه و رفعت این نامی است که اسم آنها بیرکت این نام
 آبیستاده است و پادشاهان مملکت از بزرگی این اسم
 رسیده است اهل حقیق گویند بیکر احصای این اسم که باید
 اول اندر که تواند بار از دل خاف خدا بود در تا حضرت
 رافع رایت خلده حضرت انو بوا فر از رنج بوی
 گوید هر که

بی کتاب و کتاب و کتاب

گوید که هر که در نیم شب باور نیم روز اسم رافع را بگوید
 بگوید برین اسم مداومت نماید حق تعالی انوار اخلاقی بر
 کند بنده و عزیز و بکر کند و به بداند از گزند کرب و الحزن
 خواهد و دعوت این اسم مناسب اهل جاه است در دنیا و آخرت
 این اسم و در سازد در انجمن دولت مستقیم بماند
 و روز بروز زیاده کرد و بگوید بیست روز هر شبانه
 نه عدد تکبیر بخزند و عدد نه هزار چهار صد هفتاد و هشت
 بگوید تکبیر و رفع مع صدر مؤخر تکبیر از شصت شصت و شش
 بشود و نه عدد تکبیر شانزده هزار و هفتصد و هشتاد و چهار
 اگر بیشتر بخندد در این ایام بخندد زیاده از آنچه گفته
 شده خواهد بود و خواهد دید و چون مداومت نماید در
 این ایام به این عدد بیاید مرتبه اعلی و جاه و نعمت
 مل در حدیث معنی و کریم نشود هر روز بگوید تکبیر و خنده که

در روز بروز زیاده کرد و بگوید بیست روز هر شبانه
 نه عدد تکبیر بخزند و عدد نه هزار چهار صد هفتاد و هشت
 بگوید تکبیر و رفع مع صدر مؤخر تکبیر از شصت شصت و شش
 بشود و نه عدد تکبیر شانزده هزار و هفتصد و هشتاد و چهار
 اگر بیشتر بخندد در این ایام بخندد زیاده از آنچه گفته
 شده خواهد بود و خواهد دید و چون مداومت نماید در
 این ایام به این عدد بیاید مرتبه اعلی و جاه و نعمت
 مل در حدیث معنی و کریم نشود هر روز بگوید تکبیر و خنده که

در روز بروز زیاده کرد و بگوید بیست روز هر شبانه
 نه عدد تکبیر بخزند و عدد نه هزار چهار صد هفتاد و هشت
 بگوید تکبیر و رفع مع صدر مؤخر تکبیر از شصت شصت و شش
 بشود و نه عدد تکبیر شانزده هزار و هفتصد و هشتاد و چهار
 اگر بیشتر بخندد در این ایام بخندد زیاده از آنچه گفته
 شده خواهد بود و خواهد دید و چون مداومت نماید در
 این ایام به این عدد بیاید مرتبه اعلی و جاه و نعمت
 مل در حدیث معنی و کریم نشود هر روز بگوید تکبیر و خنده که

دور نایق شرق انشا بنگاه دارند در وقت نقشی کردند
از عجایب و غریب این الواح دارنده میگردمانند شیخ مفید
فریادیه که بسیار دیده که در لشکر میره بودم و این صحیفه
باینده بود و لشکر خصم بجائیکه بود باینده فرادیسندونه
و قدم بر پا داشتند بوحه مبارک گرفته بودند و بنده را
معلوم بود که این از خزائن الواح است و اگر کسی این الواح
بسازد و با خود درند عزیز و محترم و در سبوح مجلی
خجالت نکند و از عمل محزون نشود و هر که به دارنده الواح
به بگذارد به بوی رسد و خزائن این الواح بسیار است
کردیم الواح یعنی درنده آنچه خود از مرتبه افضل اعلی
وره چه در وقت این نامی است که اسم آنها بپرکت این نام
ابستاده است و پادشاهان مملکت از بزرگی این اسم
رسیده است اهل تحقیق گویند هر که احصای این اسم کند باید
اول آنقدر که تواند بار آورد خاف خدا بود و تا حضرت
رافع رایت حله نصرت انوار بود از در شیخ بوی
گویند هر که

بی کلامان و متون معارف

گویند که هر که در نیم شب باور نیم روز اسم رافع را بگوید
بگوید برین اسم مداومت نماید حق تعالی انوار از خدایق بر
کند بنده عزیز و مکرم گرداند و به پدائز تقدیر کری و الحظ
خواهد و دعوت این اسم مناسب اهل جاه است و دنیا و دین
این اسم و در سازد در انعمل و دولت مستقیم بجانه
و روز بروز زیاده کرد و بگوید بیست روز هر شبانه
نه عدد تکبیر بخواند و عدد نه هزار چهار صد هفتاد و هفت
بکعبه تکبیر و رافع مع صد مرتبه تکبیر از ششصد شصت و شصت
بیشد و نه عدد تکبیر شانزده هزار و هفتصد و هفتاد و هفتاد
اگر مرتبه شصت یا این عدد در این ایام بخواند زیاده از آنچه
شده خواهد بود و دیده و چون مداومت نماید در
این ایام به این عدد بیاید مرتبه اعلی و جاه و نعمت
ملی در صورت معنی و کمرش نشد هر روز بگوید تکبیر خواند که

در این ایام هر که این اسم را بخواند در دنیا و آخرت برکت بیاید

بسم الله الرحمن الرحیم

که بکفر و بیگانه هم بان است بخداوند و عجب عمل کند اما آن تعلق

به صدق و جهد و اعتقاد بنده دارد و لوح الوافع باین طریقند

نویسنده در حجتی خوانده نه عدد

ر	ع	و	ا
ف	ا	ر	ع
ا	ف	ع	ر
ع	ر	ا	ف

تکسیر در این لوح می نگرید و لوح رافع را

بر طرا با بنویسید یا بقدر نقشی که در دایم

در نظر دارد و چون از خواننده فارغ شود لوح را با خود دارد

این بزرگی مستقیم بماند و از خود زایل آن دولت ایمنی که بماند

به بویکت این لوح المعز به عجزه دهنده انرا که خواهد

بعد از خرابی این نام است که انبیا و اولیا از بویکت این

اسم بویکت و ظالمان ظفر یافتن و اهل شقیق گویند که خرابی

احصی این کلمه کند باید که هم مخلوقات خدای تعالی از عزیز

دارد علی الخصوص متقیان را که عزیز و مورد عبادی خدایانند

و خداوند عالم فرموده انه ان ارکم عند الله اتقوا الله یعنی که

بجای داد عزیز تو ارشمانند خداوند سبحان و تعالی استغنی ترا

ارشمانند تا حضرت عزة جل جلاله تمام اعظم شانند انرا

عزیز

۲۷

دارد صفا ظاهر و باطن و جلای قلب و وسعت دلق

و فتح کارها و مقهور شدن کارها اعداء و خواص تمام

رد و بایه در وقت نشستن بر بجات ایضا هم اعظم

بود خنجر بیسوزند و در خلوت و لباس پاک باشد و

لی شفا و قات صائم باشد ^{خواص} ای نسخه بیشتر برده

بجوهر القرآن نظر کند ^{بمعنی} خند و نه گناه است

در مقامینها و هر که خواهد احصی این کلمه و بدعت این نام

قیام نماید اول باید که بنده گمان خدای تعالی دل خیرش

ظاهر و پیکار گرداند و از پیشه به ان از دل بیرون کند و با

همه کسی بوفقد و در او شفقت و احسان و سرانجام سلوک

کند تا حضرت خیر از امر او قلوب مجرب سازد اما نام ^{باید} خیر

که هر که این کلمه بسیار گوید از شر شیطان و جور سلطان و

و بلائی ناکهان اجبی بود اما عدد در نفوسه است ^{باید}

گفته است که هر که بعدد کسب خواند تا بپایستد ^{باید}

۲۱

که بگردد چو در سینه

به صدق و جهد و اعتقاد بنده در روزی که او را برین
نویسند در حقیقت خود را

ر	ع	ق	ا
ف	ا	ر	ع
ا	ق	ع	ر
ع	ر	ا	ق

تکبیر درین لوح می گویند لوح در لوح
بوطلا با بویخ با نقره نقش گنزد و ریم

در نظر دارد و چون از خوانند فارغ شود لوح را با خود دارد در
انبردگی مستقیم بانه و از خود زایل آن دولت ایمنی که باشد
به بویکت این لوح المعز به عیبه عزرة دهندد انز که خواهد
بعد از خرابی این نام است که انبیا و اولیا از بویکت این
اسم بویکت و ظالمان ظفر یافتن و اهل حقیقت گویند که هر که
احصی این کلمه کند باید که هم مخلوقات خدای تعالی از عزیز
دارد علی الخصوص متقیان را که عزیز کرد های خدایانند
و خدایان عالم فرموده اند ان اگر مکرم عند الله اتقى الله بعین کرم
بی داد بد عزیز تو از نشانه د خدایانند سبحانه و تعالی استغنی
از شاست تا حضرت عزرة جل جلاله سما و اعظم شانه انرا

عزیز

بویکت چو در سینه

لی شفا و قات صائم باشد این نسخه بشوید و در ده
جواهر القرآن نظر کنه التکبیر یعنی خدونه گناه است
بر مقامینها و هر که خواهد احصی این کلمه کند و بدعت این نام
قیام نماید اول باید که بنده گمان خدای تعالی دل خیرش
ظاهر و پیکار گرداند و از بدیشد به ان از دل بیرون کند و با

همه کسی بوفقد و در او شفقت و احسان و سرانجام سلوک
کند تا حضرت خیر از امر او قلوب مجرب سازد اما نام خیر باید
که هر که این اسم بسیار گوید از شر شیطان و جور سلطان و
ولایتی ناگهان اجمی بود اما عود و نغمه استغنی
گفته است که هر که بعد تکبیر خدای تعالی سما و اعظم را

نفس و حبله و حسودان و مکر و کینه خصمان و دانی
 و مخبر کردار از مرزهای که با شده از ضایع و اندیشه
 که در خاطر خلاصه با شده و از سر خود ^{غیوه} بشناو عدد
 تفسیر اینم هزار و چهار صد و ~~شصت~~ ^{سی} شصت
 مع صد و شوخر که چهار هزار شصت و چهار است
الحکیم یعنی بود بار و تاخیر کننده در عقوبت
 عاصیان و بوفای میداند که غایب شدن از آن ممکن
 نباشد تمامت مخلوقات در قبضه قدرت اوست
 و عاصیان و مجرمان از دست قدرت ان نتوانند
 گریخت حضرت امام هشتم میفرماید که از غضب یاد
 ناه تو بجهت فرو نشاندن آتش قهر و خشم او در
 بویکصد مرتبه گوید **الحکیم** خشم سلطان بحکم او
 سبب کرد و اگر در وقت اب دوزخ زاریت نوشته بودی
 و در دم اب بند تا گشت در اب بخورد و ایسان کنم
 بهر کجا رسد

بهر کجا رسد اب در آن دخل و بویکت زیاد شد
 و از حصول آن مهمت و بو خورد و او امر از
 آفت لیل و شهر محفوظ ماند و اگر در و این
 هم تمام نماید بعد از بر همان ششاد است بار خندان
 زابل کرد از او فعل قبیح و شویب و کب و حسد و از
 محل و غضب و با کرد از افعال ذمیه و اگر بر مجاز
 بکیاد حمد و پندره مرتبه **الحکیم** بخواند و بویانم ارد مدحت
 نماید اگر کسی را میسر کرد که نود نود عدد **تکسیر** بخواند
 عدد **تکسیر** اینم پنصد و بیست و شصت است و نود عدد
تکسیر هزار و شصت و سفتاد و دو باشد بویان مرتبه بخواند
 که سلاطین عمر بر بویخط بندگی و بندگی و حسن و معجز
 انیس مخروی کردند و اگر تقویت دعایت کند
 بر مرتبه قطیبت رسد و باقی شرح مثل لطیف است و خط

۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵

۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۲۹	۳۰	۳۱	۳۲

المعظم از برابر تقطيم و جهان و بزرگي و چون در
 حبه دسيده اند و خوراپد که عظمت و بزرگي رسد بر اطلوسنج
 يابو طلا درخ برع عا درع کشد در شرف افتاب و اگر بر
 ثوباب طلا تقو کنند با طهارت و بزرگ کند و اگر اب
 طلا بر نشو بامد و کشد بر کاغذ زرد کشد بدین
 دستور نه غوره میشد و این برع دیگر با حذر اند
 که عدد کبر مگر که خواص حضرت سید عالم است
 شده باشد

بسی بدو من حی و من حی و من حی و من حی

کار مطیع و فرمان بود روی شده و مقاصد اهل
 عالم از آن کفایت شود و چون مرآت حاصل شود تو
 رعوت نکند و اگر دعوت نتواند بخندد بعد از دعوت برده
 بیشتر بخندد و ابظا بر روز یکبار کثیر بخندد و اگر زیاد بخندد

بهر سه شود بزرگان و من گفته اند که تسخیر قلب و ارواح در
 این علم است شیخ بدینک فرموده که این و اسم الوسمین است
 و خندان این و اسم مثل النافع است نه شبانه روز و شبانه
 روز پنجاه بار بنصد سبحان الله بخواند و نیت بخندد و اگر
 فقا ضار محل خندان آن نکند جمع متفق گفته اند که یک
 مجلس پنجاه بار و یکصد مرتبه بخندد از دره شبانه روز
 خرد به خندد در یک مجلس بخندد نیز خاصیت بخندد و اگر

عزیز که هر روز پنجاه مرتبه بخندد
 عبادت خداوند است
 عبادت خداوند است
 عبادت خداوند است

دهم

۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱

عدد گرفته در مربع ۱۲ در ۱۲ نموده باین طریق که ذکر شود باخذ
 در آن بلیه بوزی دفع از وی شده و مقصد بر آن کردند
 و بوی غالب اید و معرزه محترم مخلوقات عالم کرد و ابدا
 فلج و نصرت بود و او کشف شده و محتاج نگردد حامل بر

در حفظ کار و متعال باشد **الملک یعنی باد**

۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲	۳	۴	۵	۶	۷
۳	۴	۵	۶	۷	۸
۴	۵	۶	۷	۸	۹
۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱

شاه فرمانروا
 بر جمیع مخلوقات
 هر که خرد احمیا
 کند این اسم گفته باشد
 یک بار شاه پادشاه
 و املاک خرد داند و خاتم پیمبران و وصی جان و د طاهر بی که
 دوازده امام باشند و عیون ایشان کسی نداند و هر کس هر چه خوا
 به و طبع از مخلوقات به بود و هم مخلوقات چون خود فقو
 داند تا ملک تعالی انرا از ملک و ملکوت بر منته کرد و بزرگ
 دینی گفته اند که ای اسم محتاج به کسی نگردد و حضرت امام
 و صاعا سلام

المسومین یعنی دست کننده و عدلهای

خوبین و از حضرت امام رضا علیه السلام مفسر نماید که
 این اسم را بفرستد نقوش کند و ایچ با طهارت باشد و باخذ در
 از شر شیطیان احمی گردد و دشمنان بوزی ظلمت نیاید و احمیان
 و بی سلامت باشد و اهل طریقت گویند که هر که روزی پنج مرتبه
 تکرار کند از شر شیطان و حسد حاکمان خدای تعالی نگرند و در
 و از وسوسه محفوظ ماند و شیخ یونسی فرموده مربع بو خاتم نقره
 نقوش کند بوزی تکرار در وقت نقوش کند در ساعت
 و در آن وقت کند و ایچ ببطور واردا می شود بطریقت مذکور

۱	۲	۳	۴	۵
۲	۳	۴	۵	۶
۳	۴	۵	۶	۷
۴	۵	۶	۷	۸
۵	۶	۷	۸	۹
۶	۷	۸	۹	۱۰

و اگر معده تکرار کند از شر زیاد و زما نقوش کند باشد
 و عدد تکرار یکصد و شصت و نه گفته اند المصمیمین

این اسم را بفرستد نقوش کند

۱۰۰

یعنی حضرت امام هشتم علیه الصلوة والسلام فرمودند
 هر که بعد از غسل یکصد بار بگوید *بِأَطْنَمِهَا خَيْرٌ لِّمَنْ*
سَخَّ يَوْمِي كَوَيْدِي چهل روز در روز یکصد مرتبه بخواند
 عقیقه آن در روز بعد از غسل عقیقه و سخن نگوید یا نشاند در روز
 بخانه مقصود برسد و بر قلوب خلائق مطلع گردد و با
 طن او صفای بید خواهد شد و در احوال خفته تیر تیر و صاحب
 باطن و دیگر نزول فیوض متواتر گردد که مطلق نظر ظاهر
 نکنند و بعد از آن که این فیوض واقع شود *بِحَقِّ صِدْقِ*
 هر روز یکصد بار عقیقه و مثل نقش نغزه مؤمن مهربان نقش
 کند و با خود در دو همیشه با صفا باشد و همان حکم مذکور در
 و از رتبه عالی رو برین بلکه از خلق عالم مستغنی گردد و
 لحظه به لحظه خالت او زیاده باید از بویکت و بزرگواری
 این هم و صورت نقش خاتم و لوح که در خاتم نقش کند

و لوح اینست

لوح اینست

م	ع	ع	ع	ع	ع	ع
ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع
ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع
ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع
ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع
ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع

العزیز

ارجمند و بزرگان کوار و منزله از سوموزیان و کفر و ایمان
 و از حضرت امام هشتم و قبله ستم صلوات الله علیه جمع
 فرماید هر که هر روز یکصد بار بعد از نماز بامداد *بِحَقِّ صِدْقِ*
 بگوید محتاج به خلق نگردد و ایم در میان مردم عزیز
 و محترم گردد بقول شیخ یونانی بعد از نماز صبح بعد
 تکبیر عقیقه که سینه صد پنجاه است *بِحَقِّ صِدْقِ*
 و بعد از عدد از قاف شدن و هر روز چند مرتبه بگوید یا
مُعِزُّ الْعِزِّ بِعِزَّتِكَ يَا عَزِيزُ و در اول و آخر

ص

ان قدر بطور متوازن صلوات بفرستد و بگوید اینچنین
 آیه را شیخ مغرب فرموده است در مربع ۱۲ در ۱۲
 در شرف افتاب وضع کند بطریقی که عنده خواهد شد
 و با عنده رود در نظر خلاصه عزیزی بخورد در چشم راست
 و حکام با حرمت و مقبول القبله کرد و دشمنان هم
 دوست و مطیع گردد و هر که مجادله کند و محاسبه افتد غالب
 شد و آیه و وضع و زین انواعت دارند و عدد این آیه هر روز
 و ششصد و نود و نشت است و با در شرف زهره ه د ر ه
 و ت و ل و ن ز ز ه ر ه چون بانند دارد دایم خوشحال و خرم باشد
 فاصول و مقام ضمیمه و خرد و ز بوی عقل دارند لوح
 و در مرتبه شد که مبصران عالم در نودوی کند و لال کردند
 و عقلا زبان در نظر دارند این جمع هم عجز خود را تر کنند

۹۳۴

شوق اصل ۹۳۴

۷	۷	۷	۷	۷
۷۲۸	۷۲۳	۷۱۸	۷۱۳	۷۰۸
۷۰۳	۷۰۸	۷۱۳	۷۱۸	۷۲۳
۷۲۳	۷۲۸	۷۳۳	۷۳۸	۷۴۳
۷۳۳	۷۳۸	۷۴۳	۷۴۸	۷۵۳
۷۴۳	۷۴۸	۷۵۳	۷۵۸	۷۶۳
۷۵۳	۷۵۸	۷۶۳	۷۶۸	۷۷۳
۷۶۳	۷۶۸	۷۷۳	۷۷۸	۷۸۳
۷۷۳	۷۷۸	۷۸۳	۷۸۸	۷۹۳
۷۸۳	۷۸۸	۷۹۳	۷۹۸	۸۰۳
۸۰۳	۸۰۸	۸۱۳	۸۱۸	۸۲۳
۸۲۳	۸۲۸	۸۳۳	۸۳۸	۸۴۳
۸۴۳	۸۴۸	۸۵۳	۸۵۸	۸۶۳
۸۶۳	۸۶۸	۸۷۳	۸۷۸	۸۸۳
۸۸۳	۸۸۸	۸۹۳	۸۹۸	۹۰۳
۹۰۳	۹۰۸	۹۱۳	۹۱۸	۹۲۳
۹۲۳	۹۲۸	۹۳۳	۹۳۸	۹۴۳
۹۴۳	۹۴۸	۹۵۳	۹۵۸	۹۶۳
۹۶۳	۹۶۸	۹۷۳	۹۷۸	۹۸۳
۹۸۳	۹۸۸	۹۹۳	۹۹۸	۱۰۰۳

گوید که بنده را حقا اکیام و معزز کورینه
 که از وضو دست نیاید و از مقام معهود
 بگذراند و بپوشد مقدمات و روز دیگر
 سبق را بنیاد کرد و دیگر را تجدید استادی
 تعظیم و تکریم کردی و چون بیرون آمد
 چند قدم مرا تعاقب کردی امر انی مانع
 کردی گفت استادت است و دیگر لوح در دست
 گذارم که شاید از تعظیم بیغم کند که از قدر
 اعتدال گذشته بود و با وجود همچنان معظم
 و ماکرم بود و این از محراب است و لوح اینست
 که عنوده شد و دیگر عجایبها دارد

صورت لوح

۳	۱۱۱	۵	۲۲	۹
۱۱۱	۶	۱	۱	۱
۷	۱۹	۱۱	۲	۱۵
۲	۱۲	۹	۱۶	۸
۱۳	۹۹	۷	۱۶	۱۱

و اگر خواننده بی روی امد هم بنده سواره با جمع مریدان
 در باجم مهمان مردم بیکدیگر می گفتند که شیخ عبدالمجید
 میگذرد از اتمام لوح ^{مفید} از بیس بحضور بجهت
 بارها لوح داد از حد کردم بلکه از شکر کم کمی در
 با هم همان طریقه جدم و از بس که درجه و در ظرفان
 بدم و رعایت کردم بدم اگر کسی را این بستر شد
 خواه بسیار بیند و بگرانی بعد از صبح ده
 نسبت پیش از سخن گفتی بخدا و بجهت
 دست خند

التجارات یعنی شکننده هر کردن کفر

و با نفع و نفع و خوار بر هر که هر نام داد و در کند

باین اسم صحبت دنیا از دل او بود و در تمام

استم و قبله هفت میفرمایند که با قضا و بیا

بگوید که هم و غم و محنت و رنج دنیا از دل او

رفع نماید و بونفس خود عذاب کرده هر که در

میان فرزند و غنای نماز جمع بونفست

مقتدر بر دشمنان بکسب بار بگوید خصما

وی مقهور کرد و صفای باطن او را حاصل

تردد القها یعنی خدایند با نفع

عطا و نعمت ظاهر و باطنی بونده کانی عرف

و بدلی که از بعد نماز سر تا مجید نهد و بگوید

با وهاب هفت مرتبه از حلق استغفر کرد

۳۳۳

و از حضرت امام الرضا عليه الطهارة والسلام بفرمایید
 این امم خراش بسیار دارد و سریع الاجابة است و مخصوص
 آن بیخا از است که بشرح راست ایه و هر که دعا کند بد این
 طریق که بعد از نماز دستها را ببرد و بگوید مرتبه بگوید یا
 هاب و حاجت خود را بگوید و دعا او را حضرت عزت بآلجا
 نیت مفرور سازد و متاع این محصول بپسندد و هر که
 ورد کند روزی از وی بیخ بآورد **یا ذی الطول**
 بگوید روزی بر روی فرخ کرد و در پیش و افلاسی از وی
 بود و اگر بدست کند باین اسم از جای که گمان نه است
 روزی با او بوسد شیخ مغزی گوید که هر که بر این شیخ بخایه یا
 جزیر و با بر او بطلبد یا در دست خضی گرفتار باشد
 با در قید حبس و محنتی افتاده باشد و بارزق او تنگی
 دارد و ما از عمل خود عزل کرده یا سائل راه را قبض
 و سبب

یعنی پیدا کنند راه و نمایند با سبب خضر
 و نفع مرینده کان را این نام است که در کتاب
 بنده کان مقرب و معرفت خدا تعالی ببرکت
 این نام راه می یابند اهل تحقیق گویند هر که خواه
 احصا کند البته باید بداند که در بنهای حقیقت او
 است هر که بدد دل بکوشد راه راست نه نمود و
 کس راه نتوان نمود و در ضلالت جاوید بماند
 پس در طریق بنده کی پیش کرد و بپوشد حکم
وَمَا أَهْدِيَ النَّصْرَ لِمَا الْمُسْتَقِيمَ طَلِبْ هِدَايَتَكَ تَأْتِي
تَأْتِي الْمُضْلِقِ وَبِوَادِهِ تَمَایِدُ وَرَشِدُ خَلْقِهِ
 سازد شیخ مغزی فرموده است هر که نظر بایمان
 کند و دست پدعا ببرد در چند آنکه تواند تا با وی بگوید
 و بعد دست خود بر خند کند حق تعالی او را راه نماید از

مع صمد بن محمد
 در روز شنبه ۱۱۱۱

الشافعي رحمت خود دعوت این کلمه کند بعد تا
 تکبیر کبیر کند بخواند و بر شبانه روز پنج نوبت
 و در خاوتگی کند این اسم را و آخر هر روز غسل
 و در بقله و در ایم با وصف با الله و بوی خوش بخورد
 کند و کنار آب روان بسیار در و مو اغلب روزها
 صایم با الله و بنیاد پدر و مادر برود او زنده باشد
 اقل همت خواهد بود و صلوات بر رسول خدا و آل پاکش
 بسیار بفرستد و توسل بورد و اهل بیت رسول
 علیهم السلام نماید و حصول مرادات در جهان
 از متابعت و محبت ائمه معصومین خدا رانند
 علی الدوام منتظر قائم آل محمد صلوات الله وسلامه
 علیه و علیه جمعی باد و در او زده امام رور
 حقه کند قبل از هر نماز و بعد از هر نماز و در یک وقت
 عبادت و طاعات بخواند بعد از آنکه اسماء اعداد
 با تمام رساننده باشد

ع	ز	ی	ج	ب	ا	ر	م	ت	ل
س	ع	ه	م	ی	ر	ج	ا	ب	
ب	ک	ا	ع	ج	ت	ر	ز	ی	م
م	ب	ی	ر	ر	ا	ز	ع	ت	ج
ج	م	ت	ل	ع	ی	ر	ک	ا	ز
ز	ج	ا	م	ک	ت	ر	ر	ی	ع
ع	ر	ی	ج	ب	ا	ر	م	ت	ل
ک	ع	ت	ز	م	ی	و	ج	ا	ب
ب	ک	ا	ع	ج	ت	ر	ز	ی	م
م	ب	ی	ک	ز	ا	ر	ع	ج	ت
السلامة									

یعنی خالق آفریده هر چیزی بوقصد او اندازد که
 شاید اهل تحقیق گویند هر که در شب بسیار بگوید
 فرشته خالق کند که عبادت کند و ثواب او در نامه عمل
 او ثبت نمایند و از حضرت علی این موعود آمده

۲۰۶

فرمانی که مشغول سلاطین مثل دفتر و خط نویسی
 و از حال آن قدیم دارد و از فساد آن میترسد
 این حروف را مربع ۴ در ۴ تکسیر کرده با حروف
 و کلمات صحیح یکصد بار بخفاند کار او بوجه دلخواه
 سرد و سبک و ثبات پیدا کند و صورت مربع

خ	ل	ا	ق
و	ا	ل	ح
ا	ح	ق	ل
ل	ق	ح	ا

و هر که مداومت کند با این ام
 بعد دیگر سفینه هم آنچه
 ظاهر و باطن او را ببرد عاقبت
 خود سوزنازد و از آرزو مبتلایان درگاه خود سازد
 و مخلوقات او را دوست دارند و بعضی از بگزار دنیا
 ده گفته اند شیخ مغرب هر هزار سجده شتاوش بار
 و اگر یکصد روز و هر روز با نعد و بخفاند و بسیار این
 علوم عزیزیم و اسرار عجیبه و مشکلمها را محقق نماید
 بمان آسان کند و بهر کار در بر آورد از دست او بویاید
 و خلاق او را بر سر قدم سرور گرداند و اگر صنوق دارد
 در انکار بجان او عصر نراند و مستغنی شود و مربع
 با حذر دارد

شده است
 این حروف را
 مربع ۴ در ۴

صحیح

شده بنامند به طریق کتوفق که مذکور شده است

ع	م	ع	ظ	۲۲۷	۲۲۸	۲۲۹	۲۳۰
ی	ظ	ح	م	۲۲۸	۲۲۹	۲۳۰	۲۳۱
ظ	ی	م	ع	۲۲۷	۲۲۸	۲۲۹	۲۳۰
م	ع	ظ	ی	۲۲۶	۲۲۷	۲۲۸	۲۲۹

و عدد لوح سهند و ربع ان ۱۷۰ و کسر ان دو است
 و این مربعات با حذر دارد و هر روز با زده عدد و تکسیر بخفاند
 و شیخ مغرب گوید که این ام دعوت کند و این مربعات را
 با حذر در تا چهل روز بایستد و اسکنه و سلطنت
 در یافت و اخروی با و نازل شده از برکت و
 تعظیم و تکریم این ام بود و حکما بجهت دوم سلطنت
 او این ام را و این مربعات ترتیب کرده بودند و
 دیده از عجایب و غریب آنچه دیده و غار بر و غا
 بل حقه داده رحیم اعلم میسازد و بعد از این اتمام
 هر روز یکصد تکسیر بخفاند تا مدام در ان عظمت
 نماید

و در تقظیم امور حضرت عظیم پس از آن بود و
و زیادت عدد تکبیر او در عدد تکبیر و بیست
عدد تکبیر بازده عدد تکبیر بازده بیست
و در یو بیست و بیست
عدد تکبیر مع صد و شصت و شش و بیست
بیست است مجموع هفتاد و نه و بیست و چهار
الغفور یعنی آرزنده جرم و حیانت
بسیار از معاصی اینها بیست که طاعت
مطیعان و توبه غایب آن بیست اینها
بجمله دفع تنها محرمه و در سر و اندام تنها و بیما
رینها که از علاج انعاج باشند بوسه پاره کاغذ
نویسند یا غفور و زود بود از ان مرض صحت
یا به و از علت را حیات یا به اگر کسی جهل بکند و زود
مغذ و کبیر بخندد یعنی بکند زار بلبار حق تعالی یا
طن او را از غل و عشق و حسد پاک گرداند اگر
الوکی شیخ

ع

۹

یا علیت ادری نادو زده روز بفرط الله در یک وقت
باشند و هرگاه تغییر در وقت هم رسد عمل از سر پود
از برای هر حاجت نماز قل اللهم مجربت وان رکعت
در هر رکعتی بعد از حمد توحید و ده مرتبه آیه مبارکه و در
دکوع ده مرتبه و ده مرتبه بعد از رکوع و در سجده مرتبه و در بی
دو سجده مرتبه و در سجده ثانی ده مرتبه و بعد از دو سجده
مرتبه و در هر رکعت هفتاد عمل نماید و بعد از سلام
در سجده بگوید قال رب اغفر لی و هب لی کلاً
یتبعی لک من بعدی انک انت الوهاب حاجت
از حد الحوائج که بوده است نماز صلوة المظفره و
فرح و کوشا پیشی از آن است چهار رکعت بدو سلام در رکعت
اول بعد از حمد ده مرتبه و اَفَوْضِ امری الی الله ان الله
بغیر بالعباد و در رکعت ثانی بعد از حمد ده مرتبه لا اله
الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین ناستجینا له
و نجیناه من العنم و لذلك ننج المؤمنین و در رکعت ستم

۹

۷

بعد از حمد ۴ مرتبه حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ و در رکعت
 چهارم ۵ بِأَحْوَالٍ وَأَفْوَةٍ إِيَّاكَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ
 و بعد از سلام ۵ مرتبه صلوات بفرستد و حاجت خود
 از مسجد بجز طلب نماید فما فرغ وقت پیش از رجوع
 دو رکعت نماز در رکعت اول بعد از حمد ادعاء لفر الله
 و در رکعت ثانی بعد از حمد توحید و بعد از سلام صد مرتبه
صلوات اللهم صل على محمد وآل محمد و بعد از مرتبه
بگوید بالطيف ارحم انا عبد الضعيف عدد كسير سنين
اجم و عدد صغير سنين ابادوز هر مثل و هر هم و عمر و الهی
 و در روز خوف از ظالم و سلا منی بدن طریق این است که
 غسل کند و جامه پاک بپوشد و چهار رکعت نماز بدو سلام
 در رکعت اول بعد از حمد بگوید بسم الله الرحمن الرحيم
إِنَّ اللَّهَ لَعَزِيزٌ بِالْعِبَادِ و در رکعت دوم بعد از حمد
مَرْتَبَةٌ بَيْنَ يَدَيْهِ اللَّهُ يَفْخَرُ قَرِيبٌ در رکعت سوم بگوید
مَرْتَبَةٌ إِلَى اللَّهِ تَصِيرَ الْأُمُورِ در رکعت چهارم بگوید

۲۱۱

۲۱۲

در شب جمعه

بعد از حمد

از حمد

از حمد صد مرتبه إِنَّا فَتَنَّاكَ فَتَانِنَا و بعد از
 سلام بگوید مَرْتَبَةٌ غَفْرَانِكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ
 و سر بر سجده گذارد و دست را بردارد و صد بار بگوید
اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَيَتُوبُ إِلَيْهِ و هنوز سر از سجده برود
 نشسته حاجت روا شود از بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 و در این معنی و غنی و توان گری پیش از رجوع
 دو رکعت نماز حاجت بیا آورد در رکعت اول بفرستد
سوره جبهه و در رکعت ثانی توحید بفرستد و سر در رکعت
 و بعد از رکوع و در سجده و بعد از سجده و در سجده ثانی بعد از
 سجده ثانی و رکعت دوم هر چه طریق هر چه مَرْتَبَةٌ
الكرسي والجنان بر آورده است جبریت و این
ثاندا از کثرت مخفیة است و هر کس نیاموزد جهت
رسیدن و مناصدة کلیه روز پنجشنبه روزه بدارد و بغسل
 صد مرتبه صلوات بفرستد و دو رکعت نماز حاجت
 بگذارد و بعد از حمد پانزده مرتبه آیه الکرسی و ۵ مرتبه

بعد از حمد

۲۱۳

بغسل

توحید بعد از سلام بلافاصله چهار رکعت یکبار مرتبه
 یاوها و ادعای تجرید کرده اند ایضا نماز کن میکون
 از بوی قضای حاجت نماز نیست که بسیار از
 بزرگان دین باین نماز اقدام کرده اند و اثر مؤثری
 فیه اند و این نماز اینچنینی است که بعد از نماز
 خفتن شب جمع بمقام خلوت دو رکعت
 نماز حاجت بکند و در رکعت اول بعد از حمد سوره
 انعام تا و کنتم عن آیاتہ تستکبرون حفظه و
 و سجود را بجا آورد و بوی خیزد و رکعت دوم بعد از
 حمد اول گفت جئتو نافرادی تا آخر سوره حفظه و
 بعد از سلام نماز هزار مرتبه خلوت که بفرستد و
 کند و حاجت را بخیزد که با حاجت مقرون است اگر
 چو میان او حاجت بعد المشرقین باشد و جهت تائیر
 شمس مستوی کشم بنماز کن میکون گشته است
 و بسیار تجرید شده است و اگر سوره حفظه شده
 باشد

از روی حفظه

باشد جایز است ایضا بجود هر طالب کلیه شب جمع غسل کند
 بعد از نماز عشاء و هر رکعت نماز حاجت کند و صد مرتبه خلوت
 و حضور قلب یکصد بار حفظه که البته یاد کرده است
 و تجرید رسیده است یا من لیس فی السموات العلویات
منتهی قرار نجوم الارضین السفلیات لا احد عند
سینة نزلت به غیرک یا الله فرج ما بنا و ارح
طلبنا فانک اعرف بما جاتنا یا ارحم الراحمین ابدعاء
 بوی دفع شدیدی و سلامتی و بیماریها در یک چهارده
 نفر هر یک یکصد بار حفظه مجموع یکبار و پنصد حفظه
 چهار بار یا ریشو و از بوی دفع فقر و درویشی و فاقه
 و رفع عسرت و محنت و تنگدستی و بوی طرف شدن ضیق
 و بی نوائی و زیادتی دولت و مکنیت و بهم رسیدن
 وسعت و نسی اعدا یا ایاک ظالموا یا ایاک استم غیره
 ذالک بسیار مجربست و یا ایاک علماء رضوان علیها

یا ایزد یعنی خدای تعالی همیشه باشند
 و ذوال و اهل حقیق گویند که هر که خواهد که احساء
 این اسم کند باید که بخورد نترس کند و عزیمت جزم کردند که
 بقول و فعل که از او بفعل آید خالصا از بوی خدای تعالی
 باشند و هیچ عملی یاد نکنند تا خاتمه امور او بخیر باد و اصلاح
 باز کرد و دعوت این اسم مناسب کسانیست که در دنیا
 از خاتمه کار ترسند و در سازند اید و تعالی ختم
 کارش به سعادت ایمان مشرف گرداند شیخ یونانی
 رحمة فرماید که قاری این اسم در هر حال بصفات با
 تنی خوشحال بهود و ایم دل او خرم و از عشق خد
 پرستی و زوق در دل و در باطن و ظاهر کرد که اهل
 حال باشند و با ایمان و معرفت کامل دائم متوجه استانه
 کبریا بجهت و انوار ضوآن کبر نصیب کرد و چون بجهت
 گوید و معنی در دل و در بیان ذکر بزبان گذراند تا دل او

زنده

زنده و زبان ذکر با اسمای حسنی خود جاری در نه الظاهر
 یعنی خدای او پیدا هستی او آثار و علامات بسیار
 در ظهور موجودات اهل حقیق گویند احصای این اسم کند
 هر و باطن با خلق خدای تعالی یک باشد و چنانکه باشد
 نماید و چنانکه نماید باشد تا روز جزا این صفت محقق
 حضرت علی بن موسی الرضا روایت نموده است که فرموده که هر که بعد
 از طلوع آفتاب یکبار یا یکصد بار این اسم را از زبان بیانی بخورد
 گرداند چنانکه فرموده من کان فی هذه السعی فیه فی الاخرة اعمی
 و اگر ظهور و محفیا شود در اتمام ایض در دره در و در روز
 مرتبه بگردد در خواب با در بیداری انوار از ان امر نشان دهند
 و شیخ یونانی فرماید که هر که در خود سازد بعد از نماز هدیه
 این اسم را پانصد نوبت خدای تعالی نورانی گرداند ظاهر و باطن
 او را و دل او را از خواب غفلت بیدار کند و اگر خواهد دشمنان خد
 مقهور گردند مداومت کنای اسم را بعد از تکبیر بیگاه روز و هر روز
 شش هزار و بیگاه دو نوبت بخواند دشمن مقهور گردد الباطن

این اسم را
 پانصد نوبت
 بخورد

۳

یعنی پوشیده است ذات او از دریافت ابصار و او همام این
 لهم است که جمله جانوران از عظمت و بزرگی او در این نام بشنا
 خسته اند خدرا و تقدیس کنند و اهل حقیقت گویند احیای این نام
 کند باید که خورد چنان ^{مخلوق} نماید که در باطن خدای تعالی را باشد
 تا خدای تعالی او را از ضلالت نکاهد و در از حضرت علی ابن
 موسی الخو شاء روایت شده است که فرموده که هر که خوره
 امانت بسیار در یاد فیه و فنی کند این نام را بوقت ^{احد}
 بلین دوشیز که ذکر شود یا در سخت یا امانت یا فیه ^{از} ^{کریمه}
 از دوزخ و از دابة الارض سالم ماند و محفوظ ماند و دست ^{بغیر}

۱	۲۳	۱۱	۱۱	با و نوسه
۱۱	۱۱	۲۳	۱	بنوع ابرو العباد
۲۳	۱۵	۱۱	۱۱	فرموده است که هر
۱۱	۱۱	۱۵	۲۳	دو زعیب سوزان

بار بخزند و باین نام در دست کند حق جل جلاله را ذکر و ب
 اسرار الوسیه و افق گرداند اما باید که برف ندگوید
 الاول

الاولیة الاخره والظاهر والباطن این چهار اسم
 خواص بسیار است اسرار عجیب و احوال غریبه
 در دعوت این اسماء هر که در دست باین اسماء
 نماید و بر دعوت این اسماء هفتاد روز
 بیشتر مذکور و در شبانه روزی بعد
 تکریر اصل اسماء بخواند که هجده هزار چهار
 صد و هشتاد و چهار است چون میسر شود
 این دعوت توفیق یابد برو ظاهر کرد و
 سراد اولین و آخرین مکشوف بر او شود و همه
 علمها و ظاهرها و باطن است بوضوح ^{بیشتر}
 این اسماء اشکار گردد و مخفی از علم مخفیاً
 شده از سرانگ وابد و بوبدایت و نهایت
 موجودات را ناکردد و خواص ظاهرها و باطن

این نام
 هفتاد روز
 بیشتر
 تکریر

و خود ایشان بدانند بظاهر و باطن هر دو
دیر عالم و بینا شده و با اسرار مخفی یا بدو
ملک و ملکوت بداند و پیش از این شرح این
این اسماء نباید کردن که از حد اعتدال دکنه
رد و باید که اهل دانش معترف آیند بدانکه از
در بافت معانی اسرار اللہ جل جلالہ همه اشیا
عاجزانه و چون ختم به اتمام رسد باید که بکلیت
توبه بخواند نکند و همچنان بچونند و اگر بدان
مذد دعوات نتواند بخواند باید بعد کبریا خواند
تا نام در آن محالست همانند انشاء الله الولی
یعنی پادشاه فریان درو بر جمیع مخلوقات
این نام است که مجربانند به بولت این نام
شستند و خواهد کرد و کند باید که خود نیز صلا

حیت

حیت بیستی کبود و مهمات خود از کلی و جزئی خود
لطیف و کذا در و ظاهر و باطن خود یکی سازد چلی
علا کارها انی بعرف چه دلخفا بسازد بلکه به
بدعای او کادینه کان نیز ساخته شود و دعوت
این نام مناسب کسانی که خواهند به در حیرت و لا
یت رسند از حضرت ابی الحسن علی ابن موسی
الرضا روایت شده است که فرموده است که این
نام را بر کوزه آب ~~نویسند~~ نذیده نویسند و بعد
بر آب کند و در چهار حقه خواند و بام مرئی خود بیاید
شد همین سرد از آفتی و صاعقه و سیل و زلزله
و مرکب حاجات و از جمیع آفات و بلیات و نیکبخت
و در دو قطعه الطریق و شیخ یونسی رحمة الله فرموده
است که هر که این مربع را در ظرف آفتاب بنویسد

یاد و تعالیست سعیدین با خود زده و این اسم بعد دیگر
 نجفانه بر روز هجرت نماید امین گردد از قهر سلطان
 و زایل عمل و تنزل جاه و منصب و حرق و غرق و
 سالم بودن از آفات آخر الزمان محفوظ ماند

۱۷
۱۶
۱۵
۱۴

۱۷	۱۶	۱۵	۱۴
۶	۴	۱۱۶	۱۷
۶	۹	۱۱۶	۱۷
۱۶	۱۷	۹	۶
۶	۹	۱۷	۱۶
۶	۹	۱۷	۱۶

و اگر این نام را بنویسد

عدد تسکین نجفانه

هر روز تا بلیست روز

و بیست روز در روز بد

درد و در خلوت خواند و

بیرون آید تمام خلائق ولایت مطیع و متقاد و مستقر

وی گردند و خبر وی به اطراف و جوانب عالم منتشر

گردد و اگر صاحب دعوت به صدق و اعتقاد بجد و

بجرت

طریق شیخ بروجی

۱۱۷	۱۱۶	۱۱۵	۱۱۴
۱۱۷	۱۱۶	۱۱۵	۱۱۴
۱۱۷	۱۱۶	۱۱۵	۱۱۴
۱۱۷	۱۱۶	۱۱۵	۱۱۴

هر روز

بجهت خلائق طوفانه خاصه از جهت رضا و حق
 خدانه بدرجه ولایت رسد و صد بار باطن وی را
 در بر دهد نماید و امرات مخفی بوار منکشف
 گردد و علوم غریبه و علم لدنی و حالات غریبه و

عجیب انوار دست دهد تسکین نجفانه

عدد ۱۴ مع صد و موخر بجهت عددان چهار

و چهار صد و نود و نه باشد و اهل حقیقت گویند که

روز سه نوبت بگوید و معذور است بگذراند چنانکه

غیو او حظور کند از اصحاب یقین کرد و المتعالی

یعنی ظاهر کنند بزرگی خویش به آینه او

نشن اهل تحقیق گویند که هر که خواهد که احی

این اسم کند اول باید که با کمال تحمید و تعظیم

خدا عاجز و حقیر داند و در اعلا در جبهه باوجه

کمال حضرت و سالت بناه صلی الله علیه و آله و سلم
 مَغْرِبًا يَهْدِي إِلَى أَحْسَنِ تَنَاقُلِكَ أَنْتَ كَمَا
 أَتَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ بِسُورِ أَعْمَالٍ وَأَنْ
 قَوْلٍ مُوَافِقٍ حَضْرَتِ بَهْتَمَنْ مَوْجُودَاتِ عَلَيْهِ أَفْضَلُ
 الصَّلَاةِ وَأَكْمَلُ التَّحِيَّاتِ كَرُوهُ وَتَابَهُ تَعَالَى الْإِنْسَانُ
 بِزُكْرِ كَرَانَهُ حَضْرَتِ هُوَ مَلُوكَاتِ الرَّعْبِيَّةِ بِأَبْنِ نَامٍ
 مَضْمُونِ كَيْفَتِ كَهْ حَضْرَتِ أَمَامِ ثَامِنِ وَضَامِنِ الْفِرَاعِ عَلَى أَيْ
 مَوْصِي الْوَضَاعِ فَرِيضَةً كَهْ رِزْقِي كَهْ وَرِحَالَتِ نَفْسًا وَبِهَا
 ضِدِّ أَيْ نَامٍ وَبَسِيَّارِ بَكْوِيَهْ أَيْ مَنِ بِيَدِ أَرْجَمِ افْتِهَا
 وَعَلَيْهَا عَلَى الْخُصُوصِ إِزَالُ كَهْ زَانِ أَوْ أَوْ مَيْتِ مَيْلِنَهُ
 وَدَاوَمَتْ بِهْ بِأَبْنِ أَمِ نَمَائِدِ بَعْدُ تَكْسِيرِ كَيْفَتِ
 بِأَلِ كَرُوهُ بَاطِنِ وَظَاهِرِ أَرْغَمِ وَغَشِ وَكَهْ وَرَتْ وَبِيَدِ
 ظَاهِرِي وَبَاطِنِي دَهْرُ كَهْ نَفْسِ أَيْ كَمِ بُونَكِي عَقِيدِ بَا
 بَلُورِ

بلور و اگر دست ندهد بر نقره خالص بعد تکبیر و بجز
 نگاه دارد و دعوت در روز بایست به همین عدد کند
 حاصل ابدانی مرتبه عالی و در عالم صورت و معنی ملک
 و شیخ مغرب دهم فرمود هر که این عدد را در روز خود بخواند
 او ظاهر البته کرد و اگر در شب بخواند مرتبه عالی بایستد
 طن و طریقه در بعضی که معروف و بعد و نقش کند مابین طرفین

۱۲۶۵	۱۳۸۵	۱۲۶۵	۱۳۸۵	۱۲۶۵	۱۳۸۵	۱۲۶۵	۱۳۸۵	۱۲۶۵	۱۳۸۵	۱۲۶۵	۱۳۸۵
۱۲۶۵	۱۳۸۵	۱۲۶۵	۱۳۸۵	۱۲۶۵	۱۳۸۵	۱۲۶۵	۱۳۸۵	۱۲۶۵	۱۳۸۵	۱۲۶۵	۱۳۸۵
۱۲۶۵	۱۳۸۵	۱۲۶۵	۱۳۸۵	۱۲۶۵	۱۳۸۵	۱۲۶۵	۱۳۸۵	۱۲۶۵	۱۳۸۵	۱۲۶۵	۱۳۸۵
۱۲۶۵	۱۳۸۵	۱۲۶۵	۱۳۸۵	۱۲۶۵	۱۳۸۵	۱۲۶۵	۱۳۸۵	۱۲۶۵	۱۳۸۵	۱۲۶۵	۱۳۸۵

و عدد تکبیر هزار و بیست و ششاد بیست است با
 متعالی و یا هزار و بیست و ششاد بیست است
 هر کدام که بخواند در خصوص است و مناسب است که در سلوک
 در دنیا خواهند که بدرجه کمال رسند و بدعت این نام

هر که این عدد را بخواند در روز خود
 او ظاهر البته کرد و اگر در شب بخواند
 مرتبه عالی بایستد

قیام نمایند و اگر بعد تکبیر نمانند بگذرد بعد اصلاح
 که پنجاه بکنند است بخانه التبر یعنی خد
 بگو کنند با خلایق خوشی و نیکی در هر جا و
 به هر کس رسیده است این نام است که صفوان از بکت این نام
 به رحم بزرگی عالم کبر رسیده اند و کسی احصای این نام
 کند بایه شفقت خود و هر چه خود را از ضعیفان
 نذر و نماند تشکران را سب کرده و زیر نفی
 کند تا بود رحیم ان لا یور لفی نعیم نام و برادر
 میان ابوردرج کنند و در جنات الخلد ملو دهند
 و سنازل رفیع و بوارست فرمایند و دعوت این نام
 کدی است که از اوست در هر دو تنزل جاه تو رسد از
 حضرت سلطان اگر تقوی علی ابی موسی الصادق است
 شده است که فرموده که هر که بگوید خداوند چون مسیح بلغ
 رسد این

رسد این بعد از آنست روزگار و شیخ در هر فریاده
 که چون طفل متولد شود تا سه روز روز هفتاد نوبت بگذرد
 جوان طفل بدد ان طفل از انا و بیانات محفوظات
 حد بلوغ و اگر بعد تکبیر بگذرد ۴۹ نوبت است
 با بعد دیگر بگذرد که ۲۰ نوبت با جنابت رسد و بگذرد
 مطلوب او باشد بوی سائنه التواب یعنی خد
 نغانو بدهند و نویم بزیورده است این کلمت کلام
 خدانه تو به قبول شده اهل تحقیق گویند اگر خوانند که سعا
 این اسم گفته باید اگر روز از راه سعد غفلت سعد
 واقع شود زودگی بیان نمانت گرفته روید و ماه کبیر باورد
 مر مسجد نکلد و تو به گفته و بیت عجز و تواضع دانی که سعد
 بیند از تو به گفته و از بنده از بنده کاشنی بدور و آورد
 فی احوال قبول میکند و در برابر رو عذر سعد کند و از سعد

سلطان ایلی العسی علی بن موسی الرضا میفرماید که هر که
 روزی بی نیت بگوید و در دکنه دفع و سوخته و آفت خج
 کند و شیخ مغرب و هم میفرماید که روزی بار بوی طفل بخنداند
 تا زمانیکه که از شو باز در زمان طفل از تا شبان باشد و هر که
 بعد از نماز بیدتر ای ایلم را با بی نیت و در دکنه باز
 بوی خوشی یا از بوی غیبی خوشی حق تعالی از او بی نیت
 کند و نوبه او را قبول نموده و بوی از نیکان کرده اگر کسی
 سود و حیال ناسد و وسوسه شیطان نرفته باشد
 و دل خند حاضر نرفته کرد در میان فرخ و سنت و نماز
 نام داد بیکه بار و در دکنه از آن بلیه نجات بایه و دل او
 بجهت مشغول کرده المنتقم بعی خدای تعالی انتقام
 کننده است از بکاران و مدبران چنانکه حق گوید
 و پیغمبران از بیکت ایلم بویاقران طفر یافتن است

ایلم

در این کتاب بعد از هر یک از اینها

ایم مناسب کسی که هر مخلوقات و جانوران و حیوانات
 ترخاند و نیکو بکنه با هر مخلوقات الله تعالی سوگند
 هیت و شجاعت و کرامت کند و در ایمن انتقام مظلوم
 و از ظالم بیستاند از حضرت سرور مصطفی علی ابن
 موسی الرضا علیه السلام فرموده که هر کسی بوجهار خصمان
 صبر نتواند کرد ایلم زور دکنه در زیر جمع نشسته و سخت
 کلبار زندانه به شرح جمع کلذر بار ارضی با مقهور کرد
 شیخ یونانچ فرموده است هرگز از نیت متفاوت بودن
 نباشد و خصم او بسیار قوی باشد و او ضعیف و ناتوان
 باشد و بار دشمنی بویا بده بیست یکروز بر روز بعد
 کیوی که گذشت یا تا سیر که در هزار بنفشه و چهار
 است مداومت کند دشمنی چنان مطیع و میخورد هرمان

در این کتاب بعد از هر یک از اینها
 در این کتاب بعد از هر یک از اینها
 در این کتاب بعد از هر یک از اینها

و محراب روی کرد که خند بیاید و عفو طلب کند العفو
یعنی خند بر خالی آید که از ده گودار در بار و تقصیر ما
و بر خلق است و تقصیر آنکه از بسیار آنگاه فرسود
که این اسم است که اب کونز و جام نزار طهر در بندگان
هم بویکت این نام خواهد رسید بخنداننده و گاه بنده ببنده
ظالم کند و انبند عفو فرماید حضرت محمد و از وی که عفو فرماید
حدیث را چندان از او در کفر و وجود بنده بویکت و عفو فرماید
حق جل علیه فرماید نامه اعمال از این نظام است پاک
کردند چنانکه در قرآن سوره فرموده است هل یحزبون الا
احسان الاحسان انی یاقی غمنا الروف
یعنی خند بر تعالی بخشاید بنده گان و مهربان
بو حلائیق و نمایند راه راست و فلاح نبات به اهل
فساد و طغیان یجواسطه این اسم نیست که از کثرت

عفو

از شفیع المذنبین و ختم المومنین
محمد المصطفیٰ حلی الله علیه و آله و سلم بیکت این اسم
خوهند یافت رحمت خدا شامل خد در دنیا و موت
و ناسق و کافر و منافق بر هر طایفه محلدات گرداند و عفو
بوموتی فقط و پس در حق کافر منافق و کبر و قوسا و بید
فاجر دعائمانند تا حضرت بار ایشا زره است که و قبول
میکند دعای او را و او را از رحمت نگاه می فرماید خند بیمار زرد از
حضرت خانی لفرای علی بن موسی الرضا علیه السلام فرماید بر هر
مظلوم و از حبس ظالم بر نهانده با و بگوید این اسم را در بوی
دور از ظالم و بیدد شفاعت او را قبول کند در حق انبند ظالم
شیخ یونانی فرموده است که هر که بدست حاکم یا خصم گرفتار
باشد و در جنگ ظالم محبوس باشد و با مسلمانی در دست کافر

بوی باشد این اسم را بعد بگیر تا به اسم حقانه با تکیه بخواند
که از بایک روز یا ده است بقول شیخ مغرب عدد تکیه با او
است و هر روز بخواند یا به از حبس ظالم یا کافر و کافر

همساره بدیر باشد باحکام ظالم که هیچ وجه مردمان نکرد
 روز جمعه این کم بعد از نماز دو بیست نوبت به درون تکلم
 بوشیویی با بواب بخدانه با بونبات و هر کله باشد و در
 کوزه آب اندازند چون آب از آن بخیزد مطیع و محترم
 وی گردد و از فرمان وی البته تجاوز ننماید و در سجده
 جاوید بماند **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** یعنی پادشاه پادشاهان
 معنی دیگر پادشاه در جهان یعنی دنیا و عقبی یا ذالجلال
 و الاکرام خدی نقال او صرف جلال است و بزرگی و شکسته
 در جبار و مستکبر و صاحب الوتر الا ذلیل کند و بوجه زنه
 و از ضمیمه هم مخلوق آگاه است که چگرون وجه خواهد کرد **الربیع**
القیمه و علمش ذلت بوده و هست و علمش قدیم است از امام
 هشتم روایت شده است که فرمودند هر که این کلام را بسیار بگوید
 و مداومت کند بحسب دنیا توانگر گردد و صاحب منصب شود و او
 است باین کم بعد دیگر بخدانه به پادشاهی و سلطنت و جاه
 و منصب و عزت و نفاق لری در عالم صورت معنی در لجه

۱۲
 این کلام را
 در سجده
 بخواند

رحمت او بود

حت او بود بیاید اگر خواهد که تصرف قلوب ملوک و سلاطین کند
 و تسخیر قلوب خدایق و سخرو و پندون جت و طاعت
 مخاوقات و او خلافت خود شرطی که مذکور شد در سلم التتم
 لیا آورد و جهت بلنه دار و التفات به بجزئیات نشود
 متوجه بکلیات شود و آنچه تواند مع زیاده در ریاضت نفس
 بکوشد و چون نفس ضعیف سازد و روح طان فدی گردد
 و چون روح قدرت یابد عروج بعالم علوی تواند کرد کاران بلا
 کبود و روز بروز در ترقی باشد اگر مقصود بسط و دفع شود
 باید بدین واسطه انکار نماید و از نوحه خویش افترده
 نکرد تا از مقصود در نیفتد و حضرت و مسالت فرموده است
 و وصیت نموده بفرمان باد که در وقت عرفه حاجت مبالغه
 نماید و الحاج کسیریه در گفتن یا ذالجلال و الاکرام که سبب
 اجابت دعائش شیخ مغربی فرموده است در سجده بیست یکبار
 یا ذالجلال و الاکرام بگوید حاجت دو کرد در میان آن تسخیر

همساره بدیر باشد باحکام ظالم که هیچ وجه مردمان نکند
 روز جمعه این کم بعد از نماز دو بیست نوبت به درون تکلم
 بوشیونی با بواب بخدانه با بوی نبات و هر که باشد و در
 کوزه آب اندازند چون آب از آن بخیزد مطیع و محترم
 وی گردد و از فرمان وی البته تجاوز ننماید و در سجده
 جاوید همان المالک الملک یعنی پادشاه پادشاهان
 معنی دیگر پادشاه در جهان یعنی دنیا و عقبی یا ذالجلال
 و الاکرام خدی نظامی موصوف جلاله و بزرگی و شکسته
 هر چنان و مستکبر و صاحب الواقی الاذلیل کند و بوجه زنده
 و از ضعیف هم مخلوق آگاه است که چکرده و چه خواهد کرد المربع
 القيمة و عالمی ذلت بوده و هست و علمش قدیم است از امام
 هشتم روایت شده است که فرمودند هر که این کم را بسیار بگوید
 و مداومت کند بحسب دنیا تو را نکند و در صاحب منصب شود و
 است باین کم بعد دیگر بخدانه به پادشاهی و سلطنت و جاه
 و منصب و عزت و نفوذ قری در عالم صورت معنی در رفیقه

۱۲
 این کلمه
 بسیار
 گفته شود
 در هر روز
 در وقت
 نماز

حمت او بود

حمت او بود بیا بد اگر خواهد که تصرف قلوب ملوک و سلاطین کند
 و تسخیر قلوب خدایق و سحر کرد و ایندن جود طاعت
 مخلوقات به او خلافت شود و طبعی که مدکر شد در سلیم التسم
 لیا آورد و همت بلند دارد و التفات به بجزئیات نشود
 متوجه بکلیات شود و آنچه تواند مع زیاد در ریاضت نفسی
 بکوشد و چون نفسی ضعیف سازد و روح طایف قوی گردد
 و چون روح قدرت یابد عروج بعالم علوی تواند کرد کاران بلا
 گیرد و روز بروز در ترقی باشد اگر قبضه و بسط و دفع
 باید بدین واسطه انکار نماید و از زنده خویش اندرده
 نکند تا از مقصود در نیفتد و حضرت مسالمت فرموده است
 و وصیت نموده بپوشان باد که در وقت عرفه حاجت مبالغه
 نماید و الحاج کیسریه در گفتن یا ذالجلال و الاکرام که سببه
 اجابت دعا است شیخ مغربی فرموده است در سجده بیست و یکبار
 یا ذالجلال و الاکرام بگوید حاجت در هر دو مبالغه است

و اگر عدد این اسم را در مربع عدد ۴ وضع کند و در مربع
دیگر بنویسند و با خود درند این بدو سالم بعد از جمیع
بلیات و آفات اما چه بد کن قادر شرف افتاب و خوش

حالی مشغول نویسنده

۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰
۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰
۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰
۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰
۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰
۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰

حامل این زیجات در نزد وضع و شرف

وقضات دائم مقبل القول بعد کارها البته انبکشا بدو که
عدد این اسم با عدد نام خود یا با عدد نام غنودر
شرفند در ۵ در ۵ بنهد و با خود در مطبع و مستقر
وی کرد و در اول و آخر هر سال که با اول و اول اول کوبند
و بمقصد بوسه دارند این مرتبجات خوب بسیار
و جمیع مرآت دینی و دنیای برسد انشاء الله و طعم

در ۵ اینست

۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰
۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰
۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰
۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰
۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰
۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰

للقسط خذ پدید کنند بهره بحر شخصی از بدی
و نیکی که بعد رسد چنانچه در اول قسمت فرموده
اهل تحقیق گویند باید اعتقاد کند چنین گوید
و یقین داند که هر چه بدوی و بر عالمیان میرسد و خوب
الی بوم القيمة هر از انست که در ازل پیش از آنکه خلق
عالم موجود شوند بر لوح محفوظ است بعد از آنکه
خود تقدیر هر فرد از افراد آدمیان که حال کاتب
باشند می رسد و خداید رسیده و هیچ بلا و نعمت را از سر نه

و نگویید که اگر چنین میگردم این نوع بلیه بمن میبرد
 و اگر این عمل میگردم باین نعمت بمن برسد که اینها
 بهم حفاظت است که آنچه مستحق شده تغییر نمی یابد
 چون خورد بدین معتقد ساخته و هم از خدای
 ناست و بداده حق تعالی را خسته و انبند نه عاقبت
 است **الحج المباح** یعنی در روزه چیزهای پخته
 و پویشان بقدره و رحمت خویش این قاضیست
 که بولیکن سلیمان ۴ بعد که مخلوقات از بولکت اینی
 و بیست این مهر سلیمان ۴ دامطیع و محرکشته
 اهل تحقیق گویند ویر که خرید که احصاب اینی لهم با
 آخر کند باید که معانی حدیث نبوی مصطفوی
 صلی الله علیه و آله و سلم را کار فرمایید یعنی علم با عمل
 جمع کند چنانچه حضرت رسالت پناه ۴ فرموده
العلم بلا عمل و العلم بلا علم و چون علم بجمع
 ضروریست

۱۵۵

ضروری حاصل کرده و با عمل جمع سازد و حضرت ساج
 التواجمیت کبریت کند و در ظاهر و باطن و دران
 جمعیت سبب جامع جمع حاجات عالمیان کرد
 و از حضرت غریب خراسانی روایت شده است که فرمودند
 که را پویشا آنچه خاطر دست دهد و از یاران و دیار خنده
 افتاده باشند و در کار خود حیوان مانده باشند دور بکنند
 غسل کنند و هر رکعت نماز کند و دست به عابد روی هم اندک
 لغت یکبار با جامع بگوید و انگشت عقده کند و فرود
 جمع کرد در مجموع یاران و درستان و خویشان اگر میات
 در نفر یابند و فرزندان و بزرگان و خویر عداوت و وحشت
 که سبب تفرقه بوده باشند این علم را بخیزند بدلیست
 جمعیت ده لذت در میان رحمت خوب بدل بکنند
 یاد کند انو وحشت و عداوت بر طرف شود و اگر در غایت باشد

افتاده باشد باقی هم در رکنه بعد دگیر با بعد تکسیر خفته
باز رسد بطون و مقصود جزو اگر پوی شای دید و
تفرقه دیده و مجال خود مضرب گشته دعوت این اسم کند
بعد تکسیر خفته ^{در} است ^{در} و جمعیت
بنویس پیوندد و اگر بقول شیخ مغربی هر روز پنج عدد تکسیر
خفته که روزانه بخورد و بلیست است جمعیت در دیده
و هم در سینه رو بطن آورد و اگر بطن جوده از کتابات
و افلاس حاجه یابد و از درویشی خلاص و توان گردد
و اگر بشرط مذکور بنام نماید جمع کردند بعدی انوار حق
و خوش و طبع و دوان صبر و صندان لایحه عاثر
جمع تواند کرد در یک مجلس از خواص این اسم اعظم
و دعوت این مناسب کسی که پوی شان حال باشد
امشان از روی دین بگردد الله تعالی انوار کن

در
در
در

در

گردان

گردان و از خلف عالم بی نیاز گردد و اگر مستر گردد که
بعد تکسیر خفته و از دنیا قانع شود و غنی گردد که
انوار عالم و عالمیان اسب احتیاج نباشد المعطی
یعنی دهنده مصالح معاش هر چه خواهد برینده کافر
حضرت آدم علیه السلام را به بوکت این نام بود و آنک
بوکذید و بی آدم بود همه جمیع انبیا مکرر کرد این شیخ
یونانی فرموده هر که خواهد که محتاج نباشد به شیخ
کسی و به شیخ چیز دعوت این اسم مذمت نماید بعد از
کسیر در آخر کوبید با معطی التائبین از خلف دنیا
اما این اسم در حدیث صحیح نیامده است همین قدر گفته
عنودیم المسبح بهی نگاه در روزه از لفظ و نعمت و در
و محنت از روزه که خواهد از مینه کاند و احصای این اسم
کند باید که بداند اگر چه عالم جمع شوند و خواهند که مقدار روزه
مضر نه شخصی رسانند نتوان رسانند تا مقدر نشود باشد

ع/

پس خند را بد و سختی کی نه و از غوغای خاطر جمع دارد
که خلافت نه غیر رسائنه و نه شر رسائنه و نه فتوحه
را بگردان از هوا و هوک نفسانی و منع کس تا مانع
بلافتد بنا و اخره از نود فرغ کند حضرت ابوالحسن
علی بن موسی الرضا علیه السلام بفرمایند هرگز ای حاجتی
نیست تا سار کار باشد در هنگام خراب این شهر بسیار
بگوید ساز کار شود شیخ یونیک گوید که در زمان که نزول
آفت لشکر خدایت خود مثل برف و باران و بلخ و باد
و طوفان و هر بلایی که باشد حضور مناجات و طاعت
و و پناه که از آن خلافت تو رسد این شهر را مدومت نماید
از آن بلیه غایب یابد این شهر را مدومت نماید که بی
در طایفه و یا در کسی مدومت نماید غالب آیند و میا
ایشان صلح انجامد الضار یعنی رساننده الم
و خرابی و نصبت بر که خواهد این نام است که بپرکت
این نام زبوی

این نام زمین و آسمان تا میزند و اهلی گویند که هر که در
طلب جاه و دولت و عزت باشد و بر شای این شهر را صد
بار بخواند از خرابی و ذلت امین گردد و بدولت و
سعاده و قرب عالی رسد از حضرت علی بن موسی
الرضا روایت شده که فرمودند هر که در طلب جاه
و دولت باشد در ایام ^{توبه} الصبر و شکر جمع کند بار
بخانه در آن دولت بیدار بماند و در کل روزها
جمع و شکر جمع بسیار بخواند تا دولت بوفزار
و ثابت بماند التفاح یعنی رساننده ^{براه}
منفعت و شادی در صورت خیر و یاد و جمع
شروک و راه این نامی است که در یا بپرکت
این نام نهایت نداد و اهل تحقیق گویند
هر که خواهد که احصی این اسم کند باید که اول

بدنه و اعتقاد کند که هر خوردن و نغمت و همت
 و غم و شادی و بلا و راحت و کمال و زوال
 که هر کس می رسد با رادت و تقدیر او
 ست و نفع و ضرر رساننده حضرت باری
 نافع است و اما تواند که در دنیا و آخرت بسنده
 گان نفع رساند ولی بوجوهی از بسنده گان
 مشیت قرار نکرده است و بعضی را ببرد
 در قیامت و بعضی را بکوبد در دنیا میکند
 بقدر امکان بنده گان و چون نیت او یک باشد
 نیک بیند بیت کسی نیک بیند هر دوری
 که نیک و رساند خلق خدا حضرت سرور اینها
 و برترین موجودات و افضل الصلوات و اکمل
 التحيات فرمودند انما الاعمال بالنيات
 و حضرت امام

و حضرت امام حسن و بشیر سلطان عمان
 الوضاع السلام فرمودند هر که این اسم را بسیار
 بگوید در شب جمعه تقرب او واقع شد و آستانه
 کبریائی و ^{چون} دایم مدد است کند و اگر در میان صد هزار
 دشمن باشد هیچ ضرر نرساند و نفع شش
 عدد و تفسیر هر که بخواهد سبب توان گری و بی شد
 باید این نام را در شرف افتاب زحل یا در شرف
 افتاب و خورشید مشتری بولوح نقره نقش کند

۷	۵	۱	۴	باین طریق
۶	۱	۵	۷	و در حال
۱	۷	۶	۵	خداوند با جا
۵	۶	۷	۱	

سینه روی پالاسه چینی سفید نهاده و قدر آب
 و کلاب روی ریزد و پیش در جند نهاده

در هر روز یکصد و تکبیر را بخواند البته
در هر روز یکصد و تکبیر را بخواند البته

دوی نظر کند و هر روز یکصد و تکبیر را بخواند البته
روز شنبه نماید و روز پنجشنبه تمام کند و شب جمعه اگر
تواند شش عدد تکبیر را بخواند که احباب متوجه
عقی و نتوان کردند در دنیا و اگر شب جمعه بخواند در دنیا

عقی و نتوان کردند در دنیا و اگر شب جمعه بخواند در دنیا
عقی و نتوان کردند در دنیا و اگر شب جمعه بخواند در دنیا

عقی و نتوان کردند در دنیا و اگر شب جمعه بخواند در دنیا
عقی و نتوان کردند در دنیا و اگر شب جمعه بخواند در دنیا

عقی و نتوان کردند در دنیا و اگر شب جمعه بخواند در دنیا
عقی و نتوان کردند در دنیا و اگر شب جمعه بخواند در دنیا

عقی و نتوان کردند در دنیا و اگر شب جمعه بخواند در دنیا
عقی و نتوان کردند در دنیا و اگر شب جمعه بخواند در دنیا

عقی و نتوان کردند در دنیا و اگر شب جمعه بخواند در دنیا
عقی و نتوان کردند در دنیا و اگر شب جمعه بخواند در دنیا

نهار ظاهر

نهار ظاهر و بودارنده حجاب و نذر آفریننده
و نذر بخشاینده و ظاهر شود صفات خدا از اتم
که خلقت عنده است و زره از نذر احمدي ظاهر

کرد و حضرت موسی علی سبیل او از شیخ جبرئیل او از انجیل
ان الله شنید مدحی شد و هرگز در کفر طوری بود

در شرح کبیر اسماء الله آورد اند که هر کس این
اسماء که البدیع والنور القابض و تکبیر

باین صورت تکریم کند ایا لیل بلق
دو ای ربع ضی و اگر کرب الفولک باشد

بمغناست بلق دو ای ربع ضی
و بوفضه نقش کند و بورد این آیه الله ذلک

السموات و انا بكل شیء علیم نقش کند در روز جمعه
عقل کند در وقت طلوع امشب نقش کند و جانم

در هر روز یکصد و تکبیر را بخواند البته

در هر روز یکصد و تکبیر را بخواند البته

در هر روز یکصد و تکبیر را بخواند البته

در هر روز یکصد و تکبیر را بخواند البته

در هر روز یکصد و تکبیر را بخواند البته

در هر روز یکصد و تکبیر را بخواند البته

در هر روز یکصد و تکبیر را بخواند البته

در هر روز یکصد و تکبیر را بخواند البته

در هر روز یکصد و تکبیر را بخواند البته

در هر روز یکصد و تکبیر را بخواند البته

حال بد پوشید و با خند دارد و هر روز این چهار
 عیار بخواند انگاه شروع در امر کلی که خواهد
 از تقریب سلاطین و خلایق و محبوسان و بیوان
 و اعزاز و احترام و دفع آفات و عیال و اسباب
 بیش قبول و اطاعت نفس اماره بگردن و محفوظ
 بودن استقامت و تکمیل ایمان و احباب غایب
 و دیدن عزیز و عجائب و دفع دشمن و تنفی
 قلب و جاه و عظمة و عام لذت و ارتفاع
 مکان و جهانی و جمیع این مطالب انوار است
 حاصل و محیا کرد و لکن باید که شرایط مذکور
 دارد و بیشتر اوقات صائم باشد و با طهارت
 و در طلب اهل تقوی بدهد و نذل و ایشان غفلت
 نامرادات حاصل کرد انشاء الله السهاد
 یعنی بیدار کننده

۲۲

با خود دارد تا خود بسیار مشاهده کند البت
 یعنی آفریننده هر چیز به صفتی و خاصیتی
 اهل تحقیق گویند که بپوشیده گان نزد امیر
 کند تا حق سبحانه و تعالی مخلوقات را محاکمه
 و متقادی می گرداند از حضرت نامی الائمة
 بفرماید که هر که در شب و روز جمع بکشد یا بگوید
 خلایق عالم انوار قبول نمائند که دارد و ملکی
 سنده که در قیوم باو باشد المصور مصور
 تصویر صورت و نقی بنده از هر جهت
 شیخ مغربی نقلست که حضرت ابوالمحسن علی
 معنی الضاعلیه الصلوة فرمودند هر روز
 عقیق و طالب در زنده باشد هفت روز روزه بدارد
 و در وقت افطار بگوید ای کرم بیت یکبار و بگوید
 اب دمه و اب را بصدقه بیاشامه حق جل

۶۹	۷۳	۷۹
۱۰	۷۵	۷۰
۷	۷۷	۱۴
۱۳	۷۹	۱۳

۳

۱

مرص	ور
ور	مرص
روص	م
ص	ام و

علا فرزند صالح محبت فریاد و صاحب محتاج
 العارفتی مفریاد از امام ششم که در حین مشا
 ریت بلیست یکبار یا صورت خلایق عالم فرزند
 گوشت فریاد و عدد تکبیر هزار شتاده
 عدد است و بر شهر روز ۳۳ بار بخواند بدو است
 نام بخاند **الغفار** یعنی پوشاننده
 ز نشیها و معاینه بنده گان از انواع گناه و تقصیر
 امام ششم مفریاد که هر که بعد از نماز جمعه یکصد بار
 و در کتف و بگوید یا غفار اغفر لی ذنوبی
 و از جمله مغفوران گردد و اگر بوعقیق نقش
 نقش کند و حرمت بذرند و با خود دارند و چون بمو
 در قیامت همراه خود بود و قبول عذاب قیوم بنده امین کرد

ع	ا	و	ا
ر	ا	ق	ع
ق	ر	ا	ع
ا	ع	ر	ق

الوهاب

ع	ا	ر	ا
ا	ق	ع	ر
ق	ر	ا	ع
ر	ع	ا	ق

مردم کم اختلاط کند و خلوت با سنده طبر نمایه و نماز را
 بجماعت مؤمنان گذارد و بگفت در دو اگر تداوم در این
 ایام هر روز غسل کند و در جمیع جاهای پاک در بیدند چون
 از در قاری شود و بعد از صلوات شخصی قاری شود بخواند
 ایند الکسوی قیام نماید باطن او از علم لدنی و علوم مگر
 بینه و عجایب و عزایب عالم با خبر کرد و در خواص ایشان
 یابد و اطاعت سلاطین آن واقع شود و خلد ایند آن است
 دارند چنانچه که اگر دشمن آنی بپزند در در و هر نام او را بشنود
 مطیع گردد و بهر کافر که رو بر آورد مسلمان شود و هر ظالم
 آنی بپزند و جمع شود دعوت این علم ضعیف گردد و قوی گردد
 کرد اما بایه که هر روز یکصد مرتبه و او خدایه کم زیاد
 نو بخواند بعد تکبیر **سبحان** حروف ملفوظی بخواند یکبار
 یکصد و ششاد و یک است بخواند و اگر بجزینت از دیار است
 و یاد بکند بخواند یکصد بار از بار بخواند الکسوی

یعنی بزرگ است و بال است زلف او از صورت
و مثال و شبه و خیال او فرموده اند این علم است که
اسماها و در آنها و عرش و کرسی و پشت
و در رخ و لوح و قلم بفرمان بود در این
ایستاده است پس هر که در طلب جاه و عظمت
و بزرگوئی در عالم صوت و سیرت نخواهد در این
صفت پادشاهانه و قدرت و منزلت بآید و در
بعوض احوال ان در تقی باشند و بزرگتر کرده
اما بآید در دنیا فرشته فکر و طالب جای
و سازد عالم عقیبی شده تا فصول با بدو هم
شستری فرموده است که صاحب دعوت این علم
عدد تکلیف شرح معرب فرموده بکبریا و چهار
صد و شصت و شش در هر یک یکصد و بیست روز
دعوت این علم

دعوت این علم کند شرط که در اسم الواسع
گفته در شبانه روز بکبریا و چهار صد و شصت
و شش مرتبه بخواند در خلعت بحضور
و در این معنی آخر در خلعت نشیند و در
و در بیرون بناید و توک حیرت نماید و حلال
خبره و آشکارا کرد ارواح انبیاء و او
لیا و اتقیاء و مسیحی و ملائکه و ارواح با
ان انس کبریا و بیشتر در شب بخواند و با
شند و امران عالم ملک و مملکت و امران
عجائب عالم کبریا و بگویند و مسخر و مامور
صاحب دعوت کردند قلوب اکابر و فقهاء
امر او و زرا و ملوک و سلاطین و رعایا و جمله
خلایف و طالب دیدار صحبت او کردند و از

بعد بزرگی عالم صورت و معنی و این دعوت را
 دعوت کبیر خوانند جهت صلابت دعوت را بر بزرگان
 لی رساند و در این اربعه بایه که شب و روز از تکرار
 غافل نشود و در روز هفت هزار بار کمتر بخواند
 و اگر زیاده بخواند بآلی نیست و خاتم از نقره
 خالص در ساعت سعد و نظرات خوب دعوت
 تثلیث و تسویث و شرف حدیث

کسیر حروف این اسم را بوالکلام

ک	ب	ی	ر
ر	ی	ب	ک
ب	ک	ر	ی
ی	ر	ک	ب

و چون خاتم تمام شود باروز
 یکشنبه یا دوشنبه یا پنجشنبه
 پیش از صبح غسل کند و
 آب روان و در حرانه خلوت نشیند و هر رکعت نماز
 شکر کند و وضو بکند از نماز کند و بعد از نماز استغفار
 گوید و در روز بفرستد بوشاتم انبیا و اولاد انبیا
 خاتم را

خاتم را در انگشت کند اول بسم الله الرحمن الرحیم و آیه
 و با تعظیم تمام و حضور قلب بگوید یا کبیر
 و در حین دعوت در نقش خاتم نظر کند و معنی
 اسم در دل بکند و در آخر که ورد هر روز بگوید
 یا کبیر کبیر طیب و چند مرتبه در روز بفرستد
 که در اول و آخر دعا در روز فرستادند سبب
 اجابت است و او را در اسم هفت هزار مرتبه بگفت

الحمد لله رب العالمین
 او بود و حضرت نوح علیه السلام از بزرگان
 اسم مجاز از طوفان یا وقت از حضرت علی
 موسی الرضا علیه السلام دو آیت شده و فرموده است
 و هر که بعد از این اسم ۹۹۹ مرتبه در عمارت
 روز جمعه بعد از نماز بنشیند و با خود
 بخط باریک و طوماد سازد در بازو بندد و از سوی
 شیطان و جور سلطان و بلای ناگهانی و در تمام

۱۶۱۶ و خیالات باطل در امان حق تعالی باشند

ح	ظ	ی	ف
ی	ف	ح	ظ
	ی	ظ	ح
ظ	ح	ف	ی

شیخ موعظ پیر از باغ
سعد چهل هفت است
شیخ احمد بودی شهریار

بنده چهل هفت صد و دوازده یکصد و چهل هفت
است شیخ ابوالعالی مع صد و پنجاه و یک
بنشاد و سنت است شیخ احمد عتیق شهریار و بنیاد
و چهار است شیخ شحری هزار و نه صد و نود
و چهار است اصل که نام فرموده است که شتر

المقیات یعنی خدای تعالی تواناست بر
نگاه داشتق هر جز و هر گاد در گذر و مقدار
ان ولی را دم بند و شرف شرح این اتم و عدد
تکسیر هزار یکصد و نود است مع صد و شصت
که متنق گفته اند **المحسب** یعنی خدای
پسندیده است حضرت ابوالحسن ای سون

جعفر

جعفر بفرمایید که هر که سخن قدی دارد حرمت
رضع دشمن ورد کند و بر روز نشاد و تقیبات الحسب
اینه روز پنجاه نایه البه منسوب و مشهور بود
اینه روز پنجاه تا چهارشنبه بر روز نشاد و تقیبات
کفانه در او از غیب برسد **الجلیل** یعنی خدای
مقاله بود که است به ذات و صفات و مخلوقات
از هیبت این نام و جلال این نام مردم میترسند
و حضرت بهترین موجودات ختم النبیین
ید که اللهم احیی مسکینا و امیت مسکینا
و احشرنا فی ذمرة المساکین سر و سکون
مصطفوی و سرور و تطوی پناه دینی و دنیا علی
این معنی اعلمهم الطوائف میفرماید که هر که هفت روز
روز و چهار روز بند بپسندد بویا بعضی مداد زعفران

جمع

جنب

و ملاک و شکر بنویسند و بخورد و هر روز یک نان
 صدقه کند انشا بعد حرمه و احترام و عزت بزند
 میان خلایق و اگر نمایند شیخ یونان
 فرموده که بنویسند این اسم را بنام خود و بنویسند
 بمسک و زعفران و ملاک بوی کاغذ یا حوی و
 قلم یا در یک و با خود دارد بوی باغی و راست
 بزند و شیخ یونان

ح ۲	ل ۲	ی ۱	ل ۲
ل ۲	ی ۱	ل ۲	ح ۲
ی ۱	ل ۲	ح ۲	ل ۲
ل ۲	ح ۲	ل ۲	ع ۱

نقشه در ساعت
 سعد که بشفق هم باشد بروف تکبیر حروف
 نم عدد حکم گذشت آنکه شد دست بجهت از
 بوی بزرگی جان و حمت میان خلایق
 و تقرب سلاطین و سبب ان و زوال اعدا
 باشد اگر خواهد باقی اسم خدانه معنی و عود
 کتبه بایه بعد کبیر خفانه و عدد تکبیر ۱۹
 مع صدور

مع صدور و هر روز که ^{۱۹} بایه است حکم گذشتند دارد
 الکریم یعنی خدای تعالی با کتبه و ۱۹
 صفت بنگودار و در کتبه بایه بزم
 و تقصیرات بنده کان کتبه کار بایه بستان
 روزگار است شرح شرح بسیار در روز بستان
 بخواند دست آید و بر مطلب بخواند اجابت شد
 از بوی بر مطلب شریعی دعوت کتبه اجابت شود
 و عدد کبیر با ۱۹ و عدد تکبیر بکثیر از ششصد
 و اربع و بیست و شش کتبه مع صد مثله بکثیر
 ششصد و بیست است مربع این نام در وسعت
 رزق انرا عظیم دارد خواهد هر روز و نفس بخواند
 عدد هر روز امثال کریم تا به عاملان

مشکل نکرده

ک	ر	ی	م
م	ی	ر	ک
ر	م	ک	ی
ی	ک	م	ر

والجمله این عدد بود خواهد کرد
 پایه در شرف انساب بار تثلث
 سعدیق و قمر سعدیق متصل
 و از لحاظ منصرف باشد

۱۷۶	۱۷۱۶	۱۷۱۶	۱۷۶
۱۷۱۵	۱۷۱۵	۱۷۵	۱۷۱۵
۱۷۱۶	۱۷۱۶	۱۷۱۶	۱۷۱۱
۱۷۱۶	۱۷۱۷	۱۷۱۷	۱۷۱۷

عدد این اسم را با عدد با عدد اسم خود بنهد در مربع
 چنانکه سابق مذکور شد عمل نماید خوب تمام دهد و اگر
 بولوح نزه طغی کند انرا تمام دارد و اگر مبرر نشود
 بوساغند هم میباید خواص را دارد و چون با خود دارد
 با روز کمتر از یکروز و صد شهادت یکبار بناید طغی کند
 الوقیب یعنی نگاه دارنده هم کسی و هم چیز
 در هر حال و شعیب بنی باکر سفیدان میوفتند
 بسیار این نام را بجهان و جلاله بسیار مذکور شده
 حق سبحانه و تعالی این را در کتب عاینت خود
 سالم و محفوظ دارد المحبیب
 یعنی

یعنی خدا حاجت کننده است انرا که خرید این نامست
 که حضرت اسماعیل و در خود عهده بود که کار در کله زیاد کار کرد
 دید و بجهت و بنده فرستاد و طباة یافت و حضرت اوما
 فرمودند که هر که بکند بکیاد این خداوند قاضی الحاجات حاجت
 انرا بر آورده کرده اند و دست عهده این کرد و از نکیات
 و بلبیات و افات دنیا و شیخ سعید ابو الحیر رحمة الله فرماید که
 هر که کسی در آخر هر دعاء بلبت شش مرتبه با برقع باجیب
 بگوید حق تعالی دعاها انرا بوردی برف استجاب رساند
 شایسته است بفرماید که انرا مربع را با خود دارد در هر حال از طلا

کما این کرد

ع	ح	ج	م
ب	ی	ح	م
ح	ی	ب	م
ب	ی	ح	م

بج شایسته فرماید هر که مراری و مهمی
 صعبی در پیش ابد و در حصول ان
 مقاصد و مظهر و خرفناک کشته باشد

م	ی	ح	ب
ح	ی	ب	م
ب	ی	ح	م
ح	ی	ب	م

بگفتند و یا جمع بیگ مجلس این هم را نود هزار مرتبه بخواند
اجابت ظاهر گردد و اگر نتواند نود هزار بار بخواند یا تحب
اینه مشاب شود در کم بزایطه که در هر روز از شصت
شش مرتبه بخواند و در آخر تکوید استحب دعوی کلها
بِنَضْلِكَ يَا اَبْلَا و اَلَا الْوَاَسِعُ بَعْنِ كِنَاة
است ایند ب نظر حوض رحمت ان در سانسند
این جمله است پسند کان خود که خود که احصی کنه
باید که کبر و حسد و بغل را از خود دور کند من جمیع الودیه
از خود دور کند از هر که خواهد شیخ گوید که بدید کرد

ص ۱

معینت تنگ باشد و بزجر کند بر کاعده نو بسند
و با خود در راه و به تکرار این هم مد دعوت نماید حق سبحان
و تعالی روزی او فرسخ کرده و عدد که هر روز بخواند
تکسیری و هفت بار بخواند و جروف تکسیری هم است
و شیخ میفرماید اسرار عجیب
و خواص این بزرگ در حدیث
این هم است

و	ا	س	ع
ع	س	ا	و
ا	و	ع	س
س	ع	و	ا

العدد

الود و الطیف الواسع التمهید و هر که بعد تکسیر این
هم مد دعوت نماید تا چهل روز از آن باشد در دعوت این
هماء علو مرتبه منزلت عالم در هر امر که خواهد و شکر
قلوب سلاطین و سب رفعت جاه و مناسب
احوال عجیب و حالات عزیز و وسعت رزق در حدیث
این هم است و عدد تکسیر سه هزار و بیست و پنج است
الحکیم یعنی حکم است بکار یا خود و خواب کار
و استوار است و بسیار معنی پوشیده است و گفتار خود
و اگر دولت عظیم دارد و آن تحمل ان دولت ناکاه بود
و از زوال ان تو سمد این نام را بسیار خواند و ان
دولت باقی ماند و حضرت امام هشتم میفرماید در این
هم اسرار و عجایب و غرایب بسیار باشد و بدان
که شیخ میفرماید هر چه اراده حضرت حکیم بود بعد از او
در هر چه لایق هر کسی باشد و در او است میدهد
عین حکمت است و حضرت حکیم تیفق اشیا

بودی مکتوف گرداند و نیز کوی این اسم قیام نماید و بر
 بیشتر غیب استغویه زیاده یابد و این هم را بعد از تعیین
 نکرده اند و شخصی خدمت سعید و در کتابیات آمده که
 قرمز دارم فرموده همین اسم را بخواند و روز دیگر آمد عرض
 کرد قرمز ادا شده و عرض کرد که در دیشم فرمودند
 بهیچ اسم قیام تا بعد از آمدن عرض کرد هم سایه
 بدی دارم فرمودند چند روز بهیچ اسم قیام نما و چند
 روز که شد آمد که با رسول الله از سلاطین زمان
 یعنی هم حضرت فرمودند بهیچ اسم قیام تا دفعه دیگر
 آنها خرابه شد و این آیات و جملان از بکت این
 آیات در آن و بخود بنیاد تغییر یافته و گرداند
 راوی گوید چه حکمت بود که این آیات را فرمودند
 و هم را فرمودند معانی و مخفی در ضمن این آیات
 بسیار است و از بزرگ و الهی است معنی این آیات
 دینانه و نوابی را بداند بنی بپوشند که هیچ حرف
 بر گرداند نزنند

بر گردان نزنند و از حضرت رسول دیگر از او پیشتره
 انه و نقل کنند این حدیث و آیات را قال الله الحمد لله
 السموات والارض و رب العالمین و له الكبرياء
 في السموات والارض وهو العزیز الحكيم قاله
 الحمد لله السموات والارض و رب العالمین
 وله العظمة في السموات والارض وهو العزيز
 الحكيم قاله الحمد لله السموات والارض
 و رب العالمین وله التفرق في السموات
 وهو العزيز الحكيم قاله و السموات و
 رب الارض و رب العالمین وله الملك في السموات
 والارض وهو العزيز الحكيم و بعد دیگر
 و بعد تفسیر که مؤلف گوید بنصده جهل پنج است
 و چهار صد جهل پنج و بر مجموع قاربر مخیر است

الودود یعنی ^{خوانند} دست مطیعان است در غایت
 دوستی بمالعه دوست دوست دارنده هر دو سنی نامه
 و حضرت ابو الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام
 بفرمایند که بجهت الفتن بین ما از دویج در روز
 جمع بگذرد یکبار بویین یا بوطعام بخندند هر
 دو از آن بخندند چنان مؤمن است در میان ایشان
 بهم رسد که اگر کسباعت همه بکفر را بینند قرار
 و آن نگردد و هم الودود الحید از بر این مطالب
 فمانند در آخر ما شعبان یا در روز عرفه یا در ^{آیه}
 یا در روز جمع عزه هر ماه که باشد و هر نسبت
 که باشد به عدد کبیر بخندند یا با هر دو هم است
 و عدد تکبیر هزار و بیست و بیست
 و عدد وسطی یکصد و بیست و هشت و عدد
 صغیر
 یا با بیست البتدر روز دعوت غسل و روزه دارد

در روز
 آیه هفت
 خواهد بود
 در صحت دلک

نویز کوبه
 عدد وسطی
 ۲۰۰

و بیست و چهل

و بیست و چهل خوانند و بخندند و متوجه قبله باشند چنانکه
 سخن کوبه و چه وقت افشار شود و اگر باقی مانده باشد چنان
 افشار کند و بعد از نماز که تا رخ خند بخندند اما سخن
 دنیا نگویید و صبح آن شب صدق کند هم در این هفته
 مقاصد و مطالب که قصد کرده از بרכת این اسم
 جا آورده کرد و شرح بسیار دارد ولی مختصر کرم
 آیه هویست و یکم و و یعیذ و هو العفو الودود
و العرش المجید فقال لیا یرید اللجید یعنی
 خاک پاک منزّه است از رفتن مکان و زمان و
 و سیده است آثار بزرگوار او همه این نام است
 و آدم صبی از صلوات الله بمرتبه او عالم آدم کلاسا
 کلمات بרכת این اسم رسید اهل حقیقت گویند
 باز که خواهد دعوت این اسم کند با مقدار که تواند با

۳۳

۵۰

بندگان حق جل جلاله و عظم شانہ شفقت
 کند و نفع رسالتی منت نامحضرت یاری انی
 نزد بنده گان مکرم و محترم و عزیز گرداند
 حضرت علی ابن موسی الوضاعلیه السلوٰة
 و علیهم السلام بفرماید که هر که را قبض و بسط
 بود و فتح در کار او واقع شود در ریاضت
 باشد و طالب مرتب اعلی باشد بتکرار
 این لم مداومت کند ابد سیر و سلوک بود
 بکشاید شیخ ابوالعباس یوسف فرماید هر که در بیان
 انبای جنس خاری اعتبار و کم قدر گشته باشد
 و در دیده بعد از نماز بامداد نمود بار این لم
 بخفاند و باز بخورد به نیت دفعت جاه و طلب
 عزت و جاه

عزت و هر که توست از علت بوی و جذام و نقرص
 و حمله بر صورتها بر علتها تا به کله تا با ایضی در روز
 دارد و در این سه روز متصل بخواند این اسم قیام
 نماید حق تعالی از آن علت انوار نگاه دارد و
 آنرا بعلی گرفتار باشد حق تعالی انوار صحت
 عاجل کرده است فرماید علی الخصوص از علت
 بوی و جذام و نقرص الباعث یعنی برانا
 انگیزاننده هر شی و هر نفسی و پیدا کننده هر تن
 زنده و این نام است که روز محشر مرده گان را به
 برکت این اسم زنده کند و هر کس دعوت
 باین اسم کند با هر مصروف و نهی از سکر لازم است
 و بنده گان را باعث طاعت شود تا حضرت
 ملک عالم دل آنرا زنده گرداند و روز محشر
 انوار سینه گرداند و حضرت علی ابن موسی الوضاعلی
 علیه السلوٰة والسلام بفرماید که هر که عنده شهادت

به
 کرده

به و با نفس خود که نوشته باشد و ترا سردر به
 که بدان امر قیام ^{بنا} به عفو و سبقت روز و هر روز
 پنصد بار بگوید این اسم را و به این روش برتخ
 نوشته باشد در روز و نگردد و نکوشاید
 که مقصود وی حاصل گردد و در نظر سچکس چنان

۲۲۴	۲۲۴	۲۲۴	۲۲۴
۲۲۴	۲۲۴	۲۲۴	۲۲۴
۲۲۴	۲۲۴	۲۲۴	۲۲۴
۲۲۴	۲۲۴	۲۲۴	۲۲۴

نگردد
 شیخ ابو العباس
 محمد بن یونس

عدد تکبیر سه هزار پنصد چهارده ^{تیمه} شود و شیخ مغرب
 سه هزار بیست عدد است و هر دو بزرگ و بی عدد
 تکبیر یک هزار و هفتصد نوزده ^{تیمه} است
 بر عدد و کیفیت که خواهد خواند ^{تیمه} شریف یعنی
 خدی نعل آگاه و بیست است بوی چیز اندک
 و بسیار و نماند است که این اسم نام است
 که طفلان را در شکم مادر به طعین این اسم

تیمه حیات

که در روز سه هزار پنصد و سی

۲۲۴

و حیات ^{تیمه} در ^{تیمه} الحق یعنی خدی که سید
 حتی اوید و رتی و ^{تیمه} در این نام است
 که ^{تیمه} به برکت این نام ^{تیمه}
 علی ^{تیمه} و علیه السلام و اصل گشت و هوک
 کلمه ^{تیمه} به برادر حنفی علیه السلام به بر
 کلواری ^{تیمه} نام رسیده و خانم مکدر فرمان
 روای حضرت سلیمان علیه السلام بزرگوار
 کاری ^{تیمه} قرار یافت و خانم نیز بود
 او نیز باز آمد و ^{تیمه} و سلطنت نشسته
 و عبرت داشت این اسم و مملکت بوقرار یافت
 و حضرت امام ثانی و ضامن الغزالی در ماه
 که هر که در نیم شب بخیزد و وضو سازد
 و در رکعت نماز کند از او در شهرها ^{تیمه}

به رکان خود بر دارد و بکعبه بار بکوبد با حق و بر
 این نام دوست نماید حضرت حقیقتاً ظاهر دل او
 بسوزد که خود مژگن زدند و به صفای باطن
 جلای قلب بجای بوسد که صهر الثانی
 بوی که کثوف سردر الوکیل
 یعنی پیش بونده ان چیز که بد و تفویض
 است و کبل کشته است مریده گمان متوکل
 این نامیت که تحت سلیمان ۱۴ بپرکت این
 نام یاد انوار در هوا بودی و کشتی نوح ۱۴
 از شدت طوفان و امواج غرق کشتی بقایه
 یافت و بن ابوسلم خلیل ۱۴ از آتش سوزان
 بپرکت این اسم نگاه داشت و کلستان شده
 سلامت مانده و اهل حقیقت گویند که هر که این
 اول باید انهماد و کفایت مخلوقات دارد
 حضرت و کلبه

عده

این اسم نماید

حضرت و کلبه داند که در کلیم مجید و فرقان مجید
 چیست و ارد است و کتی با الله و کلبه است
 شیخ احمد تمیمی در حقه ان در شرح کبیر آورد که
 در جمع سه نامت حضرت شیخ با رعفانه کفایت
 شد القویک یعنی خود و نه توانست
 بود هر چیزی که خواهد بود هر چیزی ما و این اسم
 نامیت که فرعون و شاد و عمرو از این
 این اسم و صلابت و عظمت این نام بپرکت
 کردید که هر که خواهد که احصی این اسم کند بلکه
 خود و جمیع مخلوقات را نوزد قدرت و قدر
 حق ضعیف و حقیر و مسکین داند و خود را
 اعتقاد کند که خاشاکی در محراب در این
 نذر نند باد فرمان حضرت قوی افتاد
 تا بهر سو که اراده اوست بید و نذر و اختیار

و یقول اللهم انی استغفرك
 و یقول اللهم انی استغفرك
 و یقول اللهم انی استغفرك
 و یقول اللهم انی استغفرك

و قرار و توانایی و قدرت ایشان در اندر ایشان
بر ایشان قدرت حق این اعتقاد نکنند تمام
نایب است شیخ ناصر الملک ولد شیخ طبرسی رحمه
الله میزبان ایشان است که بیست نفس ایشان
کو فتار نهاده و سوسه سلطان مبتلا باشد
و دفع آن به ذکر این چهار اسم اعظم از
وقت طلوع صبح تا آدی و زین نماز نماید و بعد
از نماز با طلع آنتاب قیام نماید حق تعالی
انرا غالب گرداند بر نفس شیطانی و کوه و سوره
مضطرب و در حین سلوک سالك طار از ذکر
غافل نیاید بعد تا موافق باشند القادر
للمقتدر القوی القائم المتین
یعنی خدا بی تعالی استوار گار است
این نایب است

این نایب است که شیخ در بیست و نه باب در
چشمها از بوکت این نام افزیده میشود
هر که احصی این کند اول باید که حکم هیچ حاکم
را در این عالم غالب محکم نداند و هم را محکوم
حاکم حقیق داند و غیر خالف الخلاق را بقاء
مشهور داند حق تعالی انرا به نگاه حذر یقین
صادق گویند کند حضرت رضا نماید که بی عیبت
را که شریک باشد بویگانه چینی نبیستند
باب باران نیشان که دعا خوانده باشند و
ببیند و به هد که بخورد شیر انوزن باره شد
شیخ ابوالعباس فرموده است که هر که را بنویسد
واقع شود بایه چون شرف است که فرموده اند
ساقط بود و به سحر ناظری اینمربع را که مذکور شد

۵	۱	۹	۷
۶	۲	۸	۸
۷	۳	۷	۹
۸	۴	۶	۱۰

بظرف سفید روی با طبخ چینی یا آب کینز و بمک
 وز عطران و کلاب تا بپزد مرتبه بند بپسند و
 بسفید و آن آب را در شبته کند و نگاه دارد هر روز
 از آن آب قدیمی بکف دست کند و بروی خود مال
 هفت روز خشک نشود روی خود را با آب روان بشوید
 فتح در کار او پیدا شود و در میان مردم معزز
 و با آب روی کرد و آن آب اگر قدیمی در سنگ
 آب ریخته بهر کشت و زرع و باغ که بوسه
 خدای تعالی با بویکت شما کشت و زرع
 فباغ و هر زمین که آب در نهر ریخته شده باشد
 چنان محصول حاصل شود که تصور زارع نداند
 و اگر کسی بسته باشد از آن آب بخورد و بوی مالند
 به فتح مبدل شود و اگر عورت را دشوار وضع حمل
 بود از این آب در شربت آن را عمل سازند
 با سابی بار نهد

با سابی وضع بار نهد و اگر محبت خوانه نجاة یا به
 این اسم بعد تکبیر فذانه بقیع استوار کرد و عدد
 تکبیر متیق هزار شصت و شصت جهت این
 قرضه اگر ورد کند بخود روز هر روز بعد از کسبه
 انشاء الله ادا شود اگر طفل را بشربان شود بر خود
 دلب گزاند بدان کودک دهانه بخورد از شیر آن
 است و بعد رود اگر کویک یعنی خدای بیگانه
 دارند بنده کان است و بمعنی دیگر دست در نه
 استانت این نام است این که محبت خدای
 در دلها مؤمنان به عظمت این نام بوسه میکند
 و اهل حقیقت گویند کسی که احیای این نام کند اول
 باید بنام اعطای مطیع امر حق تعالی باشد و سراج
 و امر که خارا و حکام بحق تعالی باشند نکلند و
 سنان و مطیعان خدای تعالی را درست دارد

عذر تکبیر در وقت
 کسب و کسب از صبح

و یا همه اشیا محبت و رز و در به طبع و یاری
از همه کسی بوز و تا اولی المتعالی در دنیا و
آخره نامر و معینی وی باشد و ذکر این اسم که چشم از
نامحرم نگاه ننهد راست به دعوت ~~این~~
نماید و هر روز در روزه سحر بعد از نماز پنجاه و
سخت مرتبه بخواند و اگر کسی بعد از نماز جهل و
مرتبه بخواند خدای تعالی هم در دست او گرداند و از
حضرت امام پیغمبر بن برستم ع السلام
سپهر نماید که اگر سلطان یا امیری رزوی در
غضب باشد و خداید که تسخیر قلوب ایشان
کند یا یکی از خدایان محترمه خواهد که مطیع گرداند
بویکل و یا بر میوه خواند به هر خذرد یا بیوفند
بر عدد تکسیر بخواند یا در وقت که شصت و یا نوزده نوبت
و بعد از امام و شوق مرتبه بخواند و به آن عویز در
نام بویید یا امینوه و ابده هر خذرد خدای تعالی
این امر بران گرداند و محبت و طبع قاری این اسم شد

الحمد

الحمد یعنی خدای ستوده به ذات خویشی به دیگر
و سنا پیش و پوستش بنده کان نم به پنداشت ~~شک و~~
هر به کمان این اسمیت که اهل نانی به بوکت این
بانی میشود اهل حقیقت کو بندگی که خداید که احصا
این اسم کند اول باید که دل و زبان خرد را به حمد و
باین اسم را که سازد و محبت صلوات و فخر و فقر و ~~خدا~~
و بعد اهل ذکر کرد حضرت ابی الجین علی بن موسی
علیه الصلوه و السلام فرماید که هر که به هر دفعه سفارش
خود یاد بگیرد سینه سخت و زود بشود بار که نیوسد
در معرفی که اب پیچورد و بدد و ابان اب بیاشام
انقلد و فعل از وی منقطع شود این اسم تا سپهران
و فحش کریان ملت و هر شی که چینی باشد جینی که
ذکر شده نماید از مغل بدش تو کر کند و هر که خواهد بندگی
این اسم تمام نماید سخت روز و روز بعد

و عدد تکسیر نهصد و پنجاه و چهار است و شیخ ابوالعباس
 و سبب است و دو عدد حکم محبت در این اسم گذشته است و روح
 تکسیر که با خود دارند اینست **المحیی بعین**

ح	د	ی	م
ی	م	ح	د
م	ی	د	ح
د	ح	م	ی

خداوند است هر
 عدد هر چیز این نام
 میست که بنده گان
 به برکت این نام خواهد
 خواند و بایه که بداند که نه ای متعالی به علم و کلمات
 و جزئیات محیط است بس روی کلی حضرت عزت
 و دوستی او در وسط همان حضرت عظیم شانه پلنگه
 تا انرا عالم بوحش اشیاء و مخلوقا آگاه گرداند
 و روز جمع یکبار بخواند تا روز قیامت حساب و
 نفع اجر بودی انسان گردد و در روز جزا و حساب
 با سبب بگذارد حضرت امام هشتم فرمایند که در شب
 جمع هم هزار بار بخواند همین حکم که روز جمع
 و عدد تکسیر

و عدد تکسیر نهصد و پنجاه و چهار است و شیخ ابوالعباس
 با کسب او یکساز فرموده است و نه جمل روز خواند
 اینست **المحیی بعین** و شمس نام شمس زاموش و شبان کند
 و سبب خواند علت کند **المحیی بعین**
 آفریننده هر چیزی علت و حاجت این نام است
 که ارواح انبیا به برکت این نام در بی آرزو اهل
 محبت گویند هر که احصی این اسم کند اول بایه حضرت
 عزرا آفریده کار جمیع انبیا داند تا خداوند بقدرت کما
 مله خرد انوار از تکلیفات و بلیات و نقصان نگاه دارد
 و از حضرت امام عالمیان قبله بنیم عد لطلوه و السلام فر
 به برکت خواهد کرد کار شروع کند اول بایه که این نام را
 با انکسار بنفاه شش مرتبه بخواند از سر تعظیم و کسب بعد از
 ان با انکسار نام نماید و هر که نرزد صالح خواهد بود که
 این نام مداومت کند نرزد به صالح کرامت کند و اگر

و عدد تکسیر
 ۹

از سقط شدن حمل نوسد اینترجمه را بر لوح عقیق

م	ب	ر	ی
ی	د	ب	م
ب	م	ی	د
ر	ی	م	ب

نقش کند و به او ششم بر
عوض کند بگردن او بود
و مرد به انگشت شهادت
ببرد و در کمر شکم ضعیف

بیاورد و اگر شوهر خاطر نباشد یا پدر و یا پسر بگرداند
اول غسل کند و بعد به این عمل تمام نماید و چون عورت
شمار جمع بکند در روز از قبله نکرده در دو سوخته
آل ابراستد و مراد نیز صلوات بفرستد و نوزده بار
این هم را بخواند تا سه روز و آنچه در شکم باشد
لممانه در سقط و اگر حامله هم نکند جینی کند و برقع را از
بوی اولاد بماند زنده بمانند و با سوز در رانها

در نوزده صاع کرامت کند یا در رو که گشت بخواند
یعنی خدای باز بونده هر چیز
تا ناز بر زنده و مرده را حال اول زنده نماید
این هم نام است که در وقت صبح باز ارواح در بدن

از برکت

کسب
مرد
مرد
مرد

از برکت این نام در آید و اهل حقیقت گویند حدیث
و تعالی را از بریده کار و زنده گشته و مرده می آید
نه و مقرو و صادق و معتقد بود بر آنکه یخرج الحی
من الميت و یخرج الميت من الحی صنعت او
ست و از هر من هب اجتناب کند و به انطایفه کمر
خبر الدنیا و الاخرة و صحبت نه در قاجل حلاله و عظم
فالج شده در دنیا و در عقب انوار شده و جاوید گرداند
و بقای ابدی و صفای کبر انوار کرامت کند و حضرت امام
علی بن موسی الرضا میفرماید هر که هر روز هفتاد نوبت بخواند
در چهار طرف خانه یا معبد حضرت یا در جوارخانه
از جمیع بلیات محفوظ دارد و اگر بوی غایب خواند بزود
بمزد و بوطون خود باز گردد و مانند در کسب و طبع و در
هفتاد بار بخواند غایب را رساند خالق انشاء بوطون
و اگر چهل روز هر روز یکبار بخواند بعد از تسبیح

و از هر من هب اجتناب کند و به انطایفه کمر
خبر الدنیا و الاخرة و صحبت نه در قاجل حلاله و عظم
فالج شده در دنیا و در عقب انوار شده و جاوید گرداند
و بقای ابدی و صفای کبر انوار کرامت کند و حضرت امام
علی بن موسی الرضا میفرماید هر که هر روز هفتاد نوبت بخواند
در چهار طرف خانه یا معبد حضرت یا در جوارخانه
از جمیع بلیات محفوظ دارد و اگر بوی غایب خواند بزود
بمزد و بوطون خود باز گردد و مانند در کسب و طبع و در
هفتاد بار بخواند غایب را رساند خالق انشاء بوطون
و اگر چهل روز هر روز یکبار بخواند بعد از تسبیح

مرد
مرد
مرد

صد و شصت و هشتاد است اما که بعد از تکبیر خوانده شود
 چنانچه در حدیث آمده است که هر که در نماز بر سرش بگذرد و او را در میان
 صاحبان دعوت استماعی نماند از آنکه او را دعوت نماید و قدرت عالمی که
 از دریافت آن عاجز نباشد و این اسم را با این دعوت خواند
 ص عجیب دارد و این دعوت مناسب کسی است که از
 شقاوت غایت فرسودن باید که مداومت به این نماز
 بند کرد مگر بعد از نماز یکصد و بیست چهار
 مرتبه خوانده نعمت بوسعاده ایمان شود توفیق
الحسن یعنی زنده کننده و جان دهنده هر روز
 را این نام است که استخوانها پوشیده و پینه پاک
 از آن گسسته و از بوی این اسم هم بیرون آید
 تحقیق گویند هر که احیای این اسم کند باید زنده و
 براننده او است که از زرع سیاه کاشانند
 و گیاه بزرگ از چوب خوشک شود و نهایی الوان و
 بعد از آن بیرون بیاید و در جانی در سلام

ر

در وقت نماز خوانده

عجیب

مجید و فرقان حمید میزاید ناظر الی آثار رحمة الله
 کیف حی المکمل بعد موتها و چون بنده ضعیف
 خوشبخت بدین صفت بدافست و بدعت هم نزد حج
 کرد حاجت قدیم و از آنکه زنده گرداند و حضرت ^{بناورد} عظیم علیه
 الصلاة والسلام فرموده که هر که از این صعب بگوید یا
 از جور سلطان و ظالم یا حاکم متوهم از کوشش و بند کردن
 و قطع تمهید دارد در حال صحت و غایت این نام
 بیست و دو روز هر روز ^{۴۲} بار بخواند بوسه دهد از جمله دیگر
المفلوکات امی شد شیخ مغرب و بایه که هر که مداومت کند این
 اسم بعد از تکبیر ^{۴۲} بار است هر روز بخواند چنانچه
 سوال مکرر و بکر عظیم انسان شود جسم آن در قبور بیفتد
 تا روز قیامت و در کوزه سالم ماند و این کرد در روز
الجمعة الممیت یعنی براننده هر زنده
 و نایب است که انبیا و اولیا از نسب این نام
 بسکنند از او تمام اهل حقیقت گویند که خواص

ع

که احصای او را نمی‌تواند باید که خود در پیش
 قدرت حق بیخ مهیبت وارد دست غلال
 تا خرد او زده معلق اول انوار برین نگاه دارد
 در دنیا و آخرت او معرفت زنده دارد و مانند
 بی این دعا را که بجدیدت ثابت شده است
 در میان فرعون است و مانند سر باقی ماندن حق سبحان
 و معلق از زوال ایمان نگاه دارد و دل از این دعا
 مستور سازد اللهم باحیی باقیهم باو الخلال
 و لا احمی بالاله الا انت اسئلك ان
 تحیی قلبی لتندم معرفتک ابدًا باقرب
 باحیی اللهم باولی الاسلام و اهله
 و نبتی

دعا

وَ نَبَتِي عَلَى الْإِسْلَامِ تَلَقَّاهُ اللَّهُمَّ
 تَعْدِ جِبْرِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَأَمْرُقَيْلَ وَتَبَّ مُحَمَّدٍ
 النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَعُوذُ عَلَيْهِ
 بِكَ مِنَ النَّارِ بِأَمْقَلِ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ
 نَبَتِ قَلْبِي عَلَى مَا أَحْبَبْتَنِي فِي حُبِّكَ
 يَا رَحْمَنَ إِلَى أَحْسَنِ رِجْزِكَ يَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ
 روایت شده که هر کس بگوید که نفس اماره بود
 و بی غالب شده باشد و خواهر که مطیع گردد
 بایه در وقت خواب هر دو دست را بر سینه نهاده
 و بگوید یا محمد یا محمد یا محمد یا محمد
 تا در خواب دور حق تعالی و تقدس نفس او

یا محمد

مطیع و محض روی گرداند و اگر در سلخ ماه
که باشد به نیت هر ظالم که بکشد و مستعد کرد
یکبار در یک بار بخواند آن ظالم هلاک کرد و
برای دفع خصمان قوی در مدت چهل روز
در روز یکبار و بعد مرتبه بخواند دشمنان م
مستعد و هلاک کرد و در فضیلت این بیستم
المصور المبدی المعبد المحیی المسمیت
و شیخ ابوالعباس محمد یوسف فرمود است این
اهل ذکری اهل عبادت است و هر شبی که بگوید
از بعضی در ذکر این اهداء مداومت کنند
اهل بصیرت کرد و انرا معتبر گرداند که طلب
علم بدعت مداومت کند عالم و الجنان که در فهم
و ادراک عقل و خرد و ذهن او حلقه مقبره
و اسبج

و اسبج چیز و مشکل او نشود و حلال مشکل
شود و اگر اجبا چیز و مشکل او شود و چون رجوع کند
باقی بماند بگو شاید از خواص این اهداء است
که اگر کسی دعوت این اهداء کند هم مالکی و اطمینان
کرد و محاسبه انرا به خاطر قدانند و لذت و عذوق
در ابعیج بخواند هر روزه بخواند بلیزاد سفینه
و چهل و یکبار است آنکه بعضی روزه و با
بینه به ذات خویش نه بلسبب دیگر این
است که به بولت این نام بگوید به بولت این
نام خرد خراب نیست و صاحبان طریق
الحی القیوم راحم اعظم گفته اند شیخ ابوالعباس
فرموده که در هر بیمار و مریضی که سه روز یا هفت روز
بعد بگیرد بخواند صحت یابد و داخل هم علم با انکه

سنة

بزرگت یا فالج یا باغ بعد و کبر سفت روز
روز یکم از یک دست بخانه از محصول آن از
آفات سمی و ارضی در امان و محفوظ ماند
و هر سال محصول آن زیاد شود و هر بخت بایه
سنه و اگر در چشم کنه از نابینائی نوسد بعد از
کبر بخانه بوجه صحت بایه سالم ماند امجد
القیوم در معنی پاینده و همیشه بی‌وزل و
فایم بذات خویش نه بواسطه غیر این نام
میست که هیچ افزیده و از عظمت این نام
بوی نفس تصرف نیست و اهل تحقیق گویند
که احصای این نام هر که کند بایه حقیقی پاینده
در حال ازل تا ابد فایم داند و پیام حرکت
هم موجودات بقدرت کامله آن شناسند تا
ایندقی بقیم نام افرا در میان بنده گان پاینده
دارد

دارد و حضرت سلطان علاء الدین محمد بن علاء علیه السلام
فرمودند هر که این نام را در روز سازد و عمرش زیاده
کرد مرادات او مقصود آن در دنیا و عقبی او
شود و بواسطه مظهر و منصور گردد و از آن طرف
در دنیا و کثر اکابر و علمای بزرگان بایستد که اسم
اعظم این نام است و از حضرت امیر المومنین و
نام للتقین و یثوب الدین فاعل الکفره و
لمعانه بنی و المنزکین جیب جیب اللعنه
المعنی اسد الغالب ابو الحسن علی بن
اب طالب روایت کرده است که فرمودند که در این نام
صد و پندر کایمات و مخلد صم موجودات که در
الاعلیه و اله و سلم را که در حال شده شعور الظلمه
چون در آن گفتی یا حی یا قیوم در حال فرج
رسیده و شیخ یحیی فرموده اند که این نام ذکر

اهل مراقبت است و لا بقا این اسم طالبان جاه و
عزّت و جوینده گان رزق بسیار اوقات و
این وقت که تا طلوع طلوع افتاب و از جمله آنها
مَحْنًا يَا بِي اَيْتُ يَا حَيُّ يَا قَيُّمُ يَا لَإِلَهَ
إِلَّا أَنْتَ وَبَعْضُهَا زَبُورُكَانَ كَفَنَةٌ أَنْهَ يَا حَيُّ
يَا قَيُّمُ يَا لَإِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ
وَعَلَيْهِ السَّلَامُ وَنُصْرَةٌ أَنْهَ كَرِيمٌ خَيْرٌ مِنْ نَامٍ
بِجَمْعِ شَيْءٍ بِيَابِجٍ وَرَجْمِ خَدَمٍ تَعَابِي كَرْدٍ وَارْخُودِ
این اما حکایات غریبه کفنه انه از ظاهر شدن
قدرت و معرفت اجابت و قضای حاجت و حصول
مقاصد اینه متقدمان در کتب و رسائل ذکر کرده انه
از حدیث این الهاء و برایشان کشف شده ما حمده
و قلیله میارم تا بوق سنان اسنان کرده و معانی
خبر میدهد نماید

خبر میدهد نماید و شیخ کتانی بنویسید در روایات
خدا آورده است که حضرت صد روید بر این است را در
و قعه دیده ام که این اسم بخند بکنند بیت خوانند و سوال
کردم با رسول الله مر حیفی تعلیم کن که بدن در زنده
کرد و زنگ از غفلت پاک و منزه شود از کله و
و ظلمت منجم و ضایا به المنضت و منوره هر از جمله
بکیار و عهدن با حیی یا قیوم یا لا اله الا انت
اَسْأَلُكَ أَنْ تَحْيِي قَلْبِي بِبَيْتِكَ يَا بِي
اللَّهُ وَشَيْخِ بَيْتِي وَشَيْخِ بَيْتِي وَشَيْخِ بَيْتِي
از اکابو مذکور شده در این کتاب فرموده اند که هر کس
که دعوت این اسم کند طریق است که بکشد شفا دوز
به عوت این الهامتیام نماید و اختلاط با مردم کم و
و خردن کم و کم سخن گفتن و بیگفتن و کم خواب کردن
و پیداسته با وضو و طهارت بدون اقامت کند و تا ثانی

تعداد در خاوت تکرار کند و بیشتر در وقت
حرکت آبی باشد و یکی از شرایط آنست که بعد

۴۵۳	۴۵۷	۴۶۰	۴۶۷
۴۵۹	۴۶۷	۴۵۲	۴۵۱
۴۶۱	۴۶۲	۴۵۵	۴۵۱
۴۵۶	۴۵	۴۶۹	۱۶۱

تکسر تمام آنرا بر خاتم نقره فقی کند که از این
دند یکدنگ آن طلا باشد و آنرا در دست کند و
بعد در تکسر کبیر بچکاند و اگر خواهد که تسخیر
قالب بکند از طلا طبع آکا بکند نام طالب را
نام مطلق تک کند و اضافه کند با معنی در
خاتم و بعد در کامل بخندد بیند عدد تکسیر
چند است و این را هم در با عدد بخندد و آنکه شغ
و عویق و مکرر بخندد دارد و در معنی دعوت کلاه
در آن نگاه بکند چون بدین طریق مداومت کند از
بوکت آبی اله

بوکت آبی اسماء کاران بجای رسد که هر مرد دل
که نظرات از در شفقت دلان زنده شود و از فتنان
بیمار و مفلح و مرغب شفا یابد اگر شرایط بجای آورد
باشد از چوب خشک از معنی نفسی او بزرگردد
میوه حاصل کرد و از زمین شوره زار نبات و از
سنگ خار چشمه آب بیرون آید و امثال اینها
لغات بسیار به اما مرمان مخفی نماید و خود
اشکاره در میان خلایق نباید ساخت
و حالات عجیب و غریب از او در حال دعوت روح نماید
و ظاهر خواهد کردید و از خاص این اسماء یکی آنست که
که صاحب دعوت بود چشمه جویان بوند و آنرا میخ
سازند در خوردن آب آنا باید بخندند تا حدی
نیاید و تعالی حیات ابدی بکومت کند این با شوق
و ذوق و تا آن خنده در روح انحال استارت بکند

از بدن

و آنچه در شرح اینها نوشته زیاده از آنست که
 عدد و احصا توان نمود اما باید عقل ناقص
 در این خواص بشکست تا از روز بروز بر مدی و جواهر
 هر روز و او در دعوت استفادان نقصان یافته
 رجوع به دعوت نکند که اصل اعتقاد است در این
 کار و عدد تکبیر این در علم هر چه در علم منفرد
 است که گفته اند این عدد پیش از طلوع صبح تا بو
 آمدن افساب بخیزد و از طلوع آفتاب تا استعا
 بگوید بخیزد و بعد از نماز ظهر تا وقت خواب بلکه
 در شبانه روز هم عدد تکبیر خوانده شود
 باوقاف و تاجی بخیزد با حاجی یا قیوم و معانی
 همانرا بخاطر بگذراند تا بدوی بمقصود رسد که خاتم
 دایم در آنکوشت کند حکم خاتم مسلمانان سلام
 دارد که جمیع خلایق مطیع و فرمان بردار او
 کردند

هر عددی که در این کتاب مذکور است
 در هر روز و هر وقت که در آنجا
 مذکور است باید آنرا بخواند
 و در هر روز و هر وقت که در آنجا
 مذکور است باید آنرا بخواند

کردند و نتوانند که از حکم او فرمان برینند اما آنچه
 از عورتان و از کودکان و سهندونان فکاد باید داشت
 تا خاص میگردید الراجحید یعنی خداتوانا
 است بر هر چه خرید این نامیت که طالبان صادق از بو
 کت نام و جدی و حالتی می یابند اهل حقیقت گویند
 عیبه احصای این اسم باشد اما باید بداند که هر چه بو
 مخلوقات پوشیده شده است بوالحضرت متعال ظاهر است
 و میبیند و خواص این ان چیزهایی و اند پنهان و آشکار
 از حلقه معلوم میدارد و خواصیت هر چیز خود را
 است و هر چیز بر ضمیر بنده خواهد گذشت از خیر و شر
 از علم او بیرون نسبت پس باید که با حلقه خدای
 تغلق بگوید و یلذل باشند تا حضرت حق بهمانه و تقاضا
 ویرد و پس درینا نصیب دید که هر چه از اینها

بیایه و دعوت این اهل منالکلب که طالب حوال و اخلاص
باشند و هر چه بویشان ظاهر گردد به بنی اهل مدینه
نمایند و بعد از نماز با هم در یکجمله و بیجا هرگز
یا واجد بگوید حالت در بویشان اهل طریقت
بروی کشف شود و اگر بعد از هر نماز به بنی عدو پیام
نماید اولست واضح بود و اگر در حین طعام خوردن بر
لغز یا واجد بگوید این اهل خندان بر طعام مؤخر در حد
وند قلب او را نورانی کرد و اثران بر روی ظاهر گردد
مکتوب شود انشاء الله تعالی المساجید
یعنی بزرگ و عطا و دران ثواب بسیار در وقت
قت عطای زیاد از در بافت عفتل این نامست
که جمله کافران و مشرکان از بیست این نام ایمان میاورند
با معزول و مغلوب کردند اهل حقیقت گویند که هر که شایسته
که احصاب اهل علم

زبان و هر دو وسیله که طالب بران حال و بو او باد که مدو
مست کند بدکی این اهل مخصوصه شب در خلوت که شب خلوت
اهل معانی است و مراتب علیا و کلمات بسیار در شب میخوانند
باقت خاصه در وقت سحر و مشایخ قدم من الله ارج هم
گویند که شب روز بازار رفتند مادام که به زکوة اهل
و طاعت کند دانند و این در اهل مشایخ عدد و تعجب فکر
اندر زبوا که سالک هر چند بشت تر خوانند جلای قلبان
زیاده میشود در آخر انوار حالتی دست دهد که اگر بکلم
فتر العین از زکوة غافل شوند و در منزهت بلعه بنی
سوفیه کافر است بیت هر کلمه غافل الله از حق مکرر
در اندم کافر است انا فیهان است الصب
یعنی خندوند مقلد اجل جلاله معبود و پناه هر نیاز
مندانست در هر حال تحقیق گویند هر که خود را احیی

این اسم کند بایه که به آن که بر آرزوی حاجات و سکنان
 و شئون و دعاء مظلومان و پشاد بنامندان بغير از
 حضرت احمد دیکری نیست و هر حال و بر اینست
 روی به رگاه صمدیت کند و عرض حاجات خود را
 بود تا حضرت صد انوار جمله حاجات مستغنی بر آن
 و حضرت امام ابوالحسن علی بن موسی الوضائ
 علیه الصلوة والسلام سفر بایه که هر که در جلاوة
 و خوف بسیار خزانند در اینجین انوار از ما بیج
 و هم نهد شیخ یونی رحم گوید باطهرات و بعد از
 نماز چتر در رگاه بکعبه بنون مرتبه بگوید با صد
 و معنی در دل گذرانند در ضمیر دل نقش کنند
 کند مرتبه اهل یقین بر سده و از جمله مادیان
 گردد و هر کس در طاقت کسکی نباشد بیکوی
 اسم مذمت نماید بعد کبیر حق سبحان و تعالی در
 ما رزق بروی او بکشايد در صورت معنی ورد
 ذکر این معرفت

ذکر این معرفت از حاصل بر و در مستجاب العارفین
 است که بجهل لغه نان نوشته در روز جمع بعد از نماز ظهر
 و در روز یک لغه نان را بخورد و در رستگاری نسیب القادر
 یعنی خدا تو انان را هر چه که خواهد بی مدد و معاونت
 دیکری در هر حال این نامیت با هیبت و احقلم و بند
 بافتن اهل حقیقت گویند که خواهد اسحق این نام کند بایه
 به الله که قدر نای حقیقت قادر است هر چه خواست کرد و هر چه
 خواهد کند بفعل الله ثابت است و حکم ما یوتد پس
 بایه تو که تو در حصول بر او کند و کار خود بکار شد
 و اگر در ثاقور نونانج دهد و هر لایه یو که خواهد حضرت
 امام معصوم علیه السلام بایه که و صوم ساخته در عضوان
 از اعطای و صدمه بار بگوید بر حصان غالب گردد
 اگر چه ضعیف باشد شیخ ابوالعباس بدی بنی بایه که
 در محل قتال و جدال با خصم بد ذکر این نام تمام نماید

و اگر از آن که در این کتاب
 و اگر از آن که در این کتاب
 و اگر از آن که در این کتاب

غالب کرد و بو خصمان و بر که را خصم فوق بینه
 در دلت آن سیر گشته و مخا جز گاشته باشد این
 را در وقت طهارت و وضو بدل مداومت کند حد تک
 خصم او مغلوب گرداند المقتدر بر تعیین حق
 تواناست بر آوردن و بردن هر چیز از مرتبه اسفل
 و مجتبه اعلی درجه و از درجه و الکمال درجه اعلی
 باز برنده به اسفل این نامیت که روح در بدن از بویکت
 این نام در آید و از نهیب و این نام بیرون آید روح در کوه
 از خواب بیدار شود و همچنانکه چشم بر هم نهاده یا مقید
 بکند به روز میامد چشم از المنیر روشن نماید تا
 بر چه خوابید مشاهده کند و جناب حضرت فاطمه الزهرا
 علیه الصلوة و التلاوة میفرماید هر چند بسد با سوزید
 در محل حرب یا خصمان و دشمنان و مداومت کردن
 بوعده و خصمان غالب آید و هر که تمام نماید این نام

با

دل او از خواب

دل او از خواب غفلت بیدار کرد و شیخ ابو سعید
 میفرماید این نام در این مختصر و خصوص میان نوائیم اول
 در جاه و منصب و قدرت و منزلت نزلت و کتابی و
 خویشان دویم در شکست و خوار و کسر اعدا و
 عزل دشمنان از اعلی درجه به اسفل هر خواهد
 که از این در مقصود و یک با هر دو برابر بود
 این نام به عد و کامل نیک سفتا در روز بیدار کند
 اگر مقصود در طلب جاه و منصب است نام خند
 و نام آنکس تنزیه بجویید با این نام تکسب کند
 مثلا محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد

و صوت تفسیر ح م و ح م و ح م و ح م و ح م و ح م
 ح م و ح م و ح م و ح م و ح م و ح م و ح م و ح م
 ح م و ح م و ح م و ح م و ح م و ح م و ح م و ح م
 ح م و ح م و ح م و ح م و ح م و ح م و ح م و ح م

ح م م م و ح و م
 م ق ت و
 م ح م و م ح م
 م م ح ح م م
 م م م م م م ح
 ح و ح و م م م م
 طالب و مطلق

پس این جمع را حساب کریم که بلیز بر منفه
 و شاد و شش است تا چه میز ساختیم که تواند
 هر روز به این عدد یا مقتدر باشد و این ایام مذکور
 اگر بر شود این عدد را باین طریق بوی کاغذ وضع
 کند و با خود دارد و بعد بگیرد که زیاده از یک روز
 بخورد و تا تواند به ان عدد کامل خواند قریب او
 قع شد که عاقبت محمود کرد و این را بسیار
 از اکابر تجربه کرده اند و به شرف سلطنت رسیده اند
 و مفاصل کلها از این عمل حاصل شده و این شرط
 در جلوه

در جلوه بجا آورد و کدر بسوزاند عود و صندل و
 کشته و بعد کامل خواند یا بعد نکسیر تا انوار نور خواند
 دهد و بوی کسر خصم نام خند و نام منضم بگیرد
 اما بجز آنکه نام خصم بونام خدمتدم دارد در وقت
 نکسیر و در خواند مقهور شد اعدا در خاطر دارد
 هر عدد که از نکسیر بدون آیه یونانی بسیار نمل
 و زنگار در مربع بنهد و پیاد بیاید و اگر چنان
 بعد که باد از اول در گذرد و خندان و شش در گذرد
 ذوق منتهی شود کرد و انشاء الله

۱۴۴	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۷
۱۴۸	۱۴۹	۱۵۰	۱۵۱
۱۵۲	۱۵۳	۱۵۴	۱۵۵
۱۵۶	۱۵۷	۱۵۸	۱۵۹

المقدم بعني پیش آورنده بنیاد و بدین
 بزرگوار باشد سمیت که معرف علی السلام
 در کرد طور نوانا بعد بونکلم و مساجات حضرت
 عزت و به بوقت ابن نام یافت و شهادت نبوی
 احرار بود اهل عقیدت کورنه کادین و بوجاهت بنیاد
 مقدم دارد تا حضرت عتره انوار زمره ارباب بدین
 دارد و دعاء انوار تقسیم اجابت کند که ایام
 قبضه و بسط باشد و کار ایشان در هیچ امری پیش
 نیروند به دعوت انوار رجوع نماید و حضرت شامان
 اطفال علی صلواته والسلام بمنزله که در حی
 نور و معرفت این علم بسیار که بدایم کرد و الراجح
 هر روز در این علم است که این مربع این علم را که
 به بن طریق وضع کرده اند اگر سلطان بومر علم بند
 در دسترو باخذ نیز دارد بو خصم طالب آید
 مقدم

م	م	م	ق
ر	ق	م	م
ق	د	م	م
م	م	ق	ر

۶۲	۶۷	۶۵	۶۰
۵	۶۶	۶۴	۵۱
۳۸	۵۲	۶۹	۶۵
۵۳	۶۱	۶۲	۶۱

از باب اول که در کتب است
 و در کتب دیگر که در کتب است
 و در کتب دیگر که در کتب است
 و در کتب دیگر که در کتب است
 و در کتب دیگر که در کتب است
 و در کتب دیگر که در کتب است
 و در کتب دیگر که در کتب است

افغان در دل دشمنان افتد که پیرو اسطه
 زار بوقرار لادیم دانند و اگر بولوح نقره نقش کند
 انرزودت و واقع شود و سلطان را و بجهت که در
 روز مصاف این علم نور در سازد و در هر روز
 تا از شر خصم محفوظ ماند تا آنکه این علم
 پست دارند الهی شایسته خوار و بی بود

و در مرتبه این نامیت که آفریده کان از سبب اینک
 فنا خواهد شد اهل تحقیق گویند هر که خواهد احصی
 کند اول جمع امور و یکی در پیش طریقه ابد تو که سویی
 خود نشو کند و رضای خداوندی و رضای نفس خود مقدم
 دارد اید و تعالی جل جلاله رعای و موجب سبب بلائی
 بنده کان خود دارد و حضرت سلطان خراسان علی
 معنی الرضا علیه السلام قال ان فرمودند که کسی
 عمر با خرد سپید است و اعمال خیرند و غصه نباشد با
 بی نام مداومت کند عمری دراز شود و عمل خیر او
 برزنده و یقین ان به حد تعالی زیاده کرد و در ان
 شکی بماند الا قول یعنی همیشه بخدی تعالی
 به مدبوره بی کمال بدایت و این نامیت که
 جمله مکذوبات از بویکت این اسم پیدا شده
 اهل تحقیق گویند هر که خواهد احصی این اسم
 نماید بایده

در باب
 این اسم
 و
 و

آورد حق عز شانه انواع عز بود و مکرر کردانه و از عالم
 در سایه خبر و جمعیت بروی او بگویشاید و نژاد بود تو لکن
 در عالم صورت و معنی در میان ملائکه عزت و حرمت
 و محقق در آنکه فرمودند که هر روز از آنکه سخن بگوید بعد از
 صلوات بخیر گفت بر تبریکه به فسبکفینکم الله و ههنا طریقه ای
 لسمیع العلیم خدی تعالی از بویکت این کلمه قرآن جمله
 متهیات او را در ان روز کفایت کند و اگر در روز کند بعد از
 فرایض بویکت بقرادت این کلمه بیام نماید هرگز محتاج
 در اذات او بمقصود دل بر آورده شود و گفته است که این اسم در
 بوی طریقه وضع کند در شرف افتاب نقش کند یا سوزد در
 بشرط آنکه سهو و غفلت نکند حق تعالی انرا در نظر سازد طبق
 و امر او در راه و بزرگان و جمیع ملائکه عزت و محترم

۱	۱۱	۱۱	۱۱
۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
۱۱	۱۱	۱۱	۱۱

بدر

و محمد تسمی رحمة و مولانا صخری المله و الدین الیزدجی در
کنز المراز بو طلال و باد کاغذ در عیون نویسنده و با حذر در
در قایق کلمه در و بیج محوسی ناظر شمس و قمر باشند
نکاح عطر ساختن در والای زد کبر و در تاج نهند
و با حذر در در نظر ملک و عزیز و محترم کرد و در بیج هر
که متوجه شد و مقصود کرده و اگر کسی دست تنگ باشد او را
در ورزش عیون مکرر هر جا خواص گفته است که فرودمانند
یا قرض در یا عیال مندی و در توفی و تناید باشند
این بیج نویسنده و مجموع کبر و در دستار یا تاج نکند در

و بلا طبع
در مولانا
فرموده

۲۲۷	۲۲۸	۲۲۹	۲۳۰
۲۳۱	۲۳۲	۲۳۳	۲۳۴
۲۳۵	۲۳۶	۲۳۷	۲۳۸
۲۳۹	۲۴۰	۲۴۱	۲۴۲

اینک که در بیج نویسنده و محتاج بجلد تقاضای
نکرد مکن جهت طهارت و غسل اگر کسی به نیت یکی
بقرات این آیه بعد مذکور قیام نماید مقصود
حاصل شود

و ضمیر از جمیع منزلیات و منکرات خود در دور در و
خند و مطهر کرد اند و از لیس و لعاب و طرب و غمزه و
و چرم کتاره کبود و در دل غیور از زو حق و تقدس
چیز زده نه پدید و بخت دنیا از دل بیرون کند و محبت او
لیاء و انبیاء و انقیاد و صلحا و فضلا و عرفا و شهداء
و اهل البیت محمد المصطفی احق الله علیه و آله و سلم در
صمیم دل جای دهد تا حضرت عزت شان افزاید
و ظاهر و باطن او را بینا گرداند و قبض و رحمت نامتنا
ی از جانب حضرت عزت محظوظ بلخظ به با و نازل و
فایض باشند و هر دعاء که بزبان کسی گذرد تو بقیایا بد
که دست انانیت به رگاه حضرت عزت بود در و
دعا کتبه باید در اول و آخران یا سمع یا بصیر و
شیخ مغرب گوید هر که هر چهل روز روز بیست عدد
تکبیر بگوید و بکعبه و تکبیر بکند و ششصد و بیست و پنج
و بیست عدد تکبیر شصت هزار و سیصد و پنجاه است از بیست و پنج

نظر
نظر

و کم خراب کردند در خارج باز داشتند و حلال خوردن آنرا
شود و در شب خوانند و اگر اوقات در خلوت باشند تا جمع
مراد است اوردیفی و ریشانی او حاصل شود و صفای باطن
و ظاهر و مفاد و بی جمله بملحای او گردد و کارها بآسانی
انزب و جلای قلبی که هر که از پیش وی گذرد ضمیر مداح
و خد و طبیعت بلکه نام او و ابناء و اجراء او به نده از بر
دکوعاری این علم و بعد از طریق هر روز یکبار در ششده
مویج مرتبه فبند یا لطیف یعنی لطف و مهربانی
تا کرد تا به مدامت این علم کند او را غسل کند و چنان
پاک در پیشه با وضو و رکعت نماز حاجت بگذارد
با خوشی و خرمی نام و چون سلام دهد بچنان که نشسته
بگوید مخفی نگردد و یکصد مرتبه یا لطیف بیت که در قلب
بگوید به نیت بر آمدن حاجت بزوری محفل کرد و مراد
این بود دره کرده و مقدمات و مقاصدات آن بعمل
پسندد و بوجه که تصور نگردد نیاید شیخ ابو العباس در
حاصل علم زبده است

شکل و شکل

بر علی البر

و فاعل

و فاعل



سلسلہ نمبر ۱۱۵۰۷
ادھر

موضوع :
سولت :
کاتب :
تاریخ کتابت :
نمبر کتابت : ۱۱۵۰۷
زبان : فارسی
قطع جلد :
شمارہ میکروفیلیم : ۱۱۵۰۷
تاریخ میکروفیلیم : ۸۵,۲,۲
تاریخ اسکن :
تعداد برگہا :
نمبر کتابت : ۱۹۶۵۸
خط :
نوع جلد :
نوع فیلم : ۱۶ میلیمٹر فوجی
اپراتور : حاجلو
اپراتور :

ملاحظات :